

چه چیزهایی موجب خوشنودی خدا میشود



محمد تقی صرفی پور



بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد مصطفی و آل طاهرینش

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

بقره ایه 207

و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می فروشد [مانند

امیرالمؤمنین (علیه السلام)] و خدا به بندگان مهربان است...

رسولان و امامان و اولیاء خدا دنبال این بودند که بدانند محبوبشان که خداوند

مهربان است از چه چیزی خوشش می آید انوقت ان را در بالاترین وجه انجام

دهند و آنها می گفتند **اللهم وفقنا لما تحب و ترضی**، خدایا ما را به اچه دوست می

داری و به ان راضی هستی موفق بدار. و می گفتند **اللهم و رضاك والدار**

الآخره. خدایا از تو رضایت و بهشت را درخواست می کنیم.

اینها در راه بدست آوردن رضایت خداوند مهربان انقدر تلاش می کردند تا اینکه

موقع جان دادن به انها خطاب می شد:

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

(٢٧) ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته

28

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، باز

(٢٨). گرد

29

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

(٢٩) پس در میان بندگانم در آی

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾ (سوره فجر)

(٣٠). و در بهشتم وارد شو

خداوند خود در قرآن به مواردی که موجب رضایت اوست اشاره فرموده است.
از جمله در آیه ای که مذکور شد درباره جانفشانی و فداکاری در راه اسلام است

که نمونه خاص ان امیرالمومنین (ع) است که در ليله المبيت جان خود را آماده فدا کردن در راه اسلام قرار داد...

از مهمترین موجبات رضایت الهی صبور بودن، باتقوا بودن، با سخاوت بودن، اهل عفو و بخشش بودن، مخلص بودن، عادل بودن، راستگو بودن، اهل عبادت بودن و... می باشد که ما در این کتاب توضیحاتی درباره هر کدام از اینها آورده ایم.

پاییز 1404. کرمانشاه

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خدا میشود عبادت خالصانه است

اظهار بندگی و اطاعت از او امر خداوند، در قرآن کریم، هدف خلقت عنوان شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند...

بهترین عبادت، نماز است.

از این رو گفته می شود که هدف از خواندن نماز، همان هدف آفرینش انسان است که خداوند آن را، در قرآن کریم آورده است. بندگانش خواسته است که نماز بخوانند. اما، تمام کارهای خداوند، بر اساس حکمت و مصلحت است. حتی اگر فرمانی به ظاهر سفت و سخت برای انجام تکلیفی مثل روزه و یا نماز یا اعمال دیگر صادر کند، قطعاً بر اساس حکمتی است که ما از آن غافلیم و نیز مصالح و برکاتی که انجام این اعمال و فرایض برای بندگان دارد. حکمت هایی همچون: رسیدن به کمال، آرامش روحی و روانی، دوری از فحشا و منکر، تقرب به بارگاه خداوند متعال...

خداوند بوسیله نماز انسان را از خیلی انحرافات و آسیبها نجات میدهد همانطور که بوسیله فلان واکسن از فلان بیماری نجات می یابیم...

حقیقتاً نماز هدیه بسیار مهمی از، طرف خداوند برا ماهاست. ما باید قدر این هدیه

الهی را بدانیم

اولیاء خدا خیلی به نماز اهمیت می دادند.

امام صادق(علیه السلام)در نماز بیهوش شد

سیدبن طاووس با نقل یک روایت می فرماید: مولای مان امام جعفر صادق (ع) در

حال قرائت در نماز دچار حالت بی هوشی شد، وقتی به هوش آمد، از او پرسیدند:

چه چیز باعث شد که حال شما به این حالت منتهی شود. حضرت فرمود: پیوسته

آیات قرآن را تکرار می نمودم، تا این که به حالتی رسیدم که گویی شفاها آن را

از کسی که نازل فرمود به مکاشفه و عیاناشنیدم، لذا قوه بشری تاب مکاشفه جلال

الهی را نیاورد.

من گاهی صدای استخوان های آقا را می شنوم،

آیت الله بروجردی رحمت الله علیه وقتی توی اتاق تنها نماز می خواندند، حاج

احمد، که پیشکار ایشان بود میگفت: «من گاهی صدای استخوان های آقا را می

شنوم، آقا وقتی نماز می خوانند من صدای استخوان هایشان را می شنوم. یکی از علمای تهران به نام آشیخ محمد نوایی به آیت الله بروجردی رحمت الله علیه اقتدا کردند، ایشان می گفتند که من در عمرم چنین نمازی نخوانده بودم. وقتی آقای بروجردی نماز می خوانند صدای استخوان هایش هم می آمد، ولو مرجع است، اما در مقابل خدا، ذُلُّ المَقَام (خوار) است.

در نماز خواندن باید ببینیم که پیامبر اعظم چگونه نماز می خواندند امیرالمومنین چگونه نماز می خواندن ما هم از اون‌ها یاد بگیریم شاید قطره ای از نماز ان شخصیت های بی نظیر را ماهم انجام دهیم. در روایت هست از امیرالمومنین که وقتی که پیامبر نماز رو شروع می کرد گویی یک ساختمان ثابت. یا یک عمود قائمی است و بی حرکت چه بسا در حال رکوع و سجده پرنده‌ای روی پیامبر می نشست چون هیچ حرکتی از او دیده نمی شد و کسی جز علی بن ابیطالب و امام سجاد نمی تواند همانند پیامبر نماز بخوانه نمازی که پیامبر می خواند و همه توجهش و حرکاتش به سوی خداوند بود در روایتی است که وقتی که پیامبر فرمود نماز شب نور هست

علی بن ابیطالب علیه السلام هیچ وقت نماز شب را فراموش نکرد و همیشه نماز شب رو اقامه می کرد حتی در لیلۃ الہریر که شب بسیار سردی بود در جنگ

صفین علی بن ابیطالب علیه السلام در اون شبهای جنگ هم نماز شب رو فراموش نکرد در هنگام جنگ باز امیرالمومنین به نماز. توجه داره و وقتی که موقع نماز فرا می‌رسید به نماز می‌ایستاد با اینکه تیرها از هر طرف به طرف آقا امیرالمومنین می‌آمدند چون مقام نماز رو شناخته بودند و جایگاه نماز رو می‌دانستند که در وسط جنگ هم نماز را فراموش نمی‌کردند اصلاً مأموریت اصلی اهل بیت (ع). یکی همین بوده است که نماز را برپا دارند لذا علی علیه السلام فرمود که ما اهل بیتی هستیم که ماموریم که به گرسنه‌ها غذا بدیم در مصیبت‌ها صبور باشیم و نماز بخونیم زمانی که مردم خواب هستند در زمانی که مردم در خواب غفلتن ما به نماز می‌پردازیم این اهمیت نماز رو نشون می‌ده علی علیه السلام. وقتی که به نماز می‌پرداخت رکوع نماز رو آنقدر طولانی می‌کرد که گاهی عرق از ساق پای حضرت جاری می‌شد و سجاده حضرت خیس می‌شد و خود امیرالمومنین فرمود راجع به نماز غیر از پیامبر کسی بر من در این گونه نماز خواندن سبقت نگرفته است و اصلاً به وجود مبارک علی علیه السلام نماز برپا شد اگر امیرالمومنین اون مجاهدت‌ها و اون تلاش‌ها را نمی‌کرد اگر سیدالشهدا علیه السلام اون تلاش‌ها و مجاهدت‌ها رو نمی‌کرد نماز فراموش شده بود اینکه الان در جامعه اسلامی نماز وجود داره به خاطر تلاش‌ها و

مجاهدتهای پیامبر و امیرالمؤمنین و همه معصومین هست خداوند همه ما را از
نماز گزاران قرار دهد

برتری نماز در جوانی

اول جوانی انواع میلها در انسان قوی میشود میل به لذتهای دنیا فراوان میشود نماز
میتواند این میلها را کنترل کند و نگذارد جوان مبتلا به فحشا و منکرات شود. لذا
جوان نماز خوان جایگاهمندی در اسلام دارد

مباهات خداوند به عبادت جوان

رسول خدا (ص): «خداوند به وجود جوان اهل عبادت بر فرشتگان مباهات
می کند و می فرماید: بنده مرا ببینید! به خاطر من چگونه از لذت جسمانی خویش
گذشته است».

برابری با عبادت 72 صدیق

رسول خدا (ص) در توصیه به اباذر فرمودند: «ای اباذر! اگر جوانی ترک دنیا و لذایذ آن را کند و جوانی خویش را در اطاعت و عبادت پروردگار بزرگ صرف کند، خداوند اجر و پاداش هفتاد و دو صدیق به او اعطاء می فرماید». .. ما در دورام دفاع مقدس دیدیم که این جوانهای مومن بودند که توانستند ایران را در مقابل دشمن بعثی پیروز نمایند.. نماز و معنویت در جبهه ها موج میزد. رزمندگان اسلام اهل نماز، شب و شب زنده داری بودند.. لذا احساس قدرت می کردند چون پشتوانه الهی را داشتند.. لذا هر جوانی که مومن و نماز خوان باشد در زندگی موفق است. جوانی نزد ایه الله نخود کی آمد و گفت من سه قفل در زندگی دارم هم دنبال کار می گردم نیست هم دنبال همسر هستم هم می خواهم عاقبت بخیر بشوم ایشان فرمود کلید هر سه قفل شما نماز است

چرا نماز معراج انسان است؟

در روایت آمده نماز معراج مومن است یعنی همانطور که پیامبر ما بارها معراج رفتند یعنی به آسمانها بالا رفتند. و با خدا مناجات کردند ما هم اگر نماز مومن با حضور قلب باشه میتوانیم عجایب عالم غیب را مشاهده کنیم همانگونه که بعضی از اولیا خدا عجایب رو در نماز می دیدند و به حالتی برسیم که با خدا مناجات

کنیم و خود را در محضر خدا ببینیم. اگر فیلم نماز ایه که بهجت را دیده بتشید می، بینید ایشان در نماز به گریه می افتند زیرا گویا دارند مستقیم با خداوند حرف می زنند.. ما باید تلاش کنیم درجه نماز مون رو بالا ببریم و در نماز همه توجه را به خدا منعطف کنیم. دیدند امام حسن مجتبی موقع وضو رنگش می پرید علت را سوال می کردند می فرمود میخواهم در مقابل خدا بایستم.. یا امام سجاد در نماز انقدر غرق خدا بود خانه اش گرفت ایشان متوجه نشدند یا تیر از پای امیرالمومنین در نماز در آوردند ایشان متوجه نشدند

اهمیت نماز اول وقت.

نماز رو باید اول وقت بخونیم و فرق نماز اول وقت با اخر وقت مثل دنیا و اخرت است. لذا در قران فرموده **ویل للمصلین. الذینهم عن صلواتهم ساهون.** وای بر نماز خوانها. ان نماز خوان هایی که نماز رو سبک می شمزند... یعنی اخر وقت میخوند....

بعضی افراد موقع اول وقت نماز، به کار مشغولند در حالی که باید کار را تعطیل کنند و اول نماز بخوانن تا برکات الهی بر آنان نازل شود لذا باید به کار بکویند و وقت نماز است نه اینکه به نماز، بکویند وقت کار است! خلبان شیرودی با خبرنگاران مختلف مصاحبه داشت یکدفعه وسط مصاحبه، رفت گفتند هنوز

مصاحبه تموم نشده گفت وقت نماز است. حضرت امام در جلسه سران کشورهای اسلامی وسط جلسه بلند شدند و فرمودند وقت نماز است. امیرالمومنین در جنگ صفین در زیر تیرهای دشمن اول وقت نماز می خواند. امام حسین در ظهر عاشورا اول وقت نماز می خواند اینها برای ما درس است نماز شب موجب خوشنودی خداست...

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

(سجده ایه 16)

[ملازم بستر استراحت و خواب نیستند، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از آنچه آنان را روزی داده ایم، انفاق می کنند

نماز شب در آیات قرآن

خداوند متعال در آیات کتاب خویش نیز تاکید بر نماز شب داشته و آن را مایه رسیدن انسان به مقامات والاتر میدانند. زیرا این مستحب، آثار عمیق و فوق العاده ای در روح و روان انسان داشته و آن را تبدیل به بنده ای مخلص میکند

خداوند در آیه ۷۹ سوره اسراء، نماز شب را وسیله ای برای رسیدن بنده ۱:
خویش به مقام محمود میداند و توصیه به نماز شب میفرماید: و پاسی از شب را،
قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی بر عهده توست؛ امید است که
!پروردگارت تو را به جایگاهی در خور ستایش برانگیزد

در آیه ۹ از سوره زمر نیز به نماز شب اشاره شده که: (آیا آن کس که شب و ۲:
روز به کفر و عصیان مشغول است بهتر است) یا آن کس که ساعاتی از شب را به
اطاعت از خدا به سجده و قیام پرداخته و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت
الهی امیدوار است؟

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۶ سوره دهر اشاره به بهترین زمان برای ۳:
عبادت خویش اشاره کرده و میفرماید: خواندن آیات و نماز و راز و نیاز کردن با
خدا و هم صحبت شدن با آفریدگار در دل شب، استوارتر و بهتر میباشد

تاکید بر این نماز مستحب تا حدی قوی بوده که برای نیکوکاران و افرادی که ۴: پاسی از شب را می‌خوابیدند جایگاه بهشت را مهیا نمود و در آیه ۱۵ تا ۱۷ سوره ذاریات آمده: بی تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه سارهایند. (۱۵) آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می‌کنند؛ زیرا که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می‌گذراندند].

پروردگار تعالی در آیه ۱۶ از سوره سجده عبادت شب را وسیله ای برای ۵: آمرزش گناهان و وفور نعمت و روزی میداند و میفرماید: آنها پهلوهای خود را از بستر گرم برمی‌گیرند، و از خوابگاه خوش دوری می‌گزینند و خالق خویش را می‌خوانند و از ترس گناهان خویش به رحمت او چشم دوخته و از آن چیزی که خداوند قسمت آنها کرده و روزیشان نموده است انفاق می‌کنند.

بی تردید وفور وجود آیات قرآن و اشاره به بیدار در پاسی از شب و راز و نیاز به معبود به این آیات ختم نشده و در آیات دیگری مانند آیه ۱۷ سوره آل عمران، آیات ۱ تا ۶ سوره مزمل، آیه ۶۴ سوره فرقان و ... نیز اشاره به نماز شب شده است.

نماز شب در احایث معصومین

تاکید معصومین بر خواندن نماز شب در بسیاری از کتب معتبر احادیث دیده میشود. این دعوت به نماز شب در حدی میباشد که آن را معیاری بر شیعه بودن قرار داده و تارک نماز شب را جزو زیانکاران میدانند. در ذیل میتوانید احادیثی چند از معصومین درباره نماز شب را مطالعه بفرمایید.

امام صادق (ع): از جمله سفارش های پیامبر (ص) به علی (ع) این بود که ای :
علی! تو را به صفاتی که در خودت هست سفارش می کنم؛ پس آنها را حفظ کن. سپس گفت: خداوندا! او را یاری نما! تا این که فرمود: بر تو باد {خواندن}
!نماز شب! بر تو باد {خواندن} نماز شب! بر تو باد {خواندن} نماز شب!

پیامبر خدا (ص) به علی (ع): ای علی! مؤمن از سه چیز شاد می شود: دیدار :
. برادران ، افطار کردن روزه و عبادت آخر شب

پیامبر اکرم (ص): جبرئیل پیوسته مرا به شب زنده داری سفارش می کرد ؛ ۳:
چندان که گمان کردم نیکان امت من جز اندکی از شب را هرگز نخواهند خفت

حضرت علی (ع): خوشا به حال آن کس که مسئولیت های واجب را در ۴:
پیشگاه خداوند به انجام رسانیده و در راه خدا هر سختی و تلخی را به جان خریده
و به شب زنده داری پرداخته است و اگر خواب بر او چیره شود، بر زمین خوابیده
و کف دستان خود را بالین خود قرار داده و زمره در گروهی است که ترس از
معاد، خواب را از چشمانشان ربوده و پهلو از بسترها گرفته و لبهایشان به یاد
پروردگار در حرکت بوده و با استغفار طولانی گناهان را زدوده اند: آنان حزب
خداوندند و قطعاً حزب خدا رستگار است

امام صادق (ع): کسی که نماز شب نمی خواند، از شیعیان ما نیست ۵:

امام صادق (ع): مبعوض ترین و ناپسندترین مردم نزد خداوند، کسی است که ۶:
[شب را سراسر به خواب رود] بسان مرداری گندیده و در روز بیکار و تنبل باشد

۷: امام باقر(ع): خداوند دوست دارد کسی را که با نماز، شب زنده داری کند

۸: امام صادق(ع): شرافت مؤمن در نماز شب اوست و عزت مؤمن در خودداری
او از لطمه زدن به آبروی مردم

۹: امام صادق(ع) فرمودند: «مال دنیا و فرزندان، زینت زندگی این دنیا و نماز
شب، زینت آخرت است»

۱۰: پیامبر اکرم(ص): هرگاه بنده در دل شب تار با معبود خود خلوت کند و با او
به راز و نیاز پردازد، خداوند دلش را نورانی گرداند... سپس خداوند به
فرشتگانش گوید: «ای فرشتگان! به بنده ی من نگاه کنید، که در دل شب
تاریک که مردم به لُهو سرگرمند و نیز غافلان خفته اند، با من خلوت کرده است
». شاهد و گواه باشید که من او را مورد بخشش قرار دادم

حضرت محمد(ص): هر که نماز شب زیاد بخواند ، روز هنگام، خوش سیما : ۱۱

باشد

امشب چرا خوابت برده

یک روز طلبه ها به مناسبت عیدالزهراء طلبه ها جشنی گرفته بودند و از آخوند کاشی هم دعوت می کنند که در آن جشن شرکت کنند. ایشان هم تشریف می آورند و تا دیروقت مشغول در مراسم تشریف داشتند آنگونه که برای نماز شب آقا خوابشان می برد، و برای صبح از خواب بیدار می شوند. دوباره «هفده ربیع الاول» طلبه ها جشن می گیرند و آخوند را دعوت می کنند که تشریف بیاورند و این بار هم ایشان خوابشان می برد. شب در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را می بینند و حضرت می فرمایند: ما دفعه قبل که نماز شبت ترک شد به خاطر شادی قلب دخترم «زهرا سلام الله علیها» تو را بخشیدیم. ولی امشب چرا خوابت برده بلند شو نماز شبت را بخوان...

داستان خدا و بنده تنبل

. خدا: بنده ی من نماز شب بخوان و آن یازده رکعت است

. بنده : خدایا ! خسته ام ، نمی توانم

. خدا : بنده ی من ، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر بخوان

. بنده : خدایا ! خسته ام برایم مشکل است نیمه شب بیدار شوم

. خدا : بنده ی من قبل از خواب این سه رکعت را بخوان

. بنده : خدایا ! سه رکعت زیاد است

. خدا : بنده ی من فقط یک رکعت نماز وتر بخوان

. بنده : خدایا ! امروز خیلی خسته ام ! آیا راه دیگری ندارد ؟

. خدا : بنده من قبل از خواب وضو بگیر و رو به آسمان کن و بگو یا الله

. بنده : خدایا ! در رختخواب هستم اگر بلند شوم خواب از سرم می پرد

. خدا : بنده ی من همانجا که دراز کشیده ای تیمم کن و بگو یا الله

. بنده : خدایا ! هوا سرد است ! نمیتوانم دستانم را از زیر پتو در بیاورم

. خدا : بنده ی من در دلت بگو یا الله ما نماز شب برایت حساب میکنیم

. بنده اعتنایی نمی کند و می خوابد

خدا: ملائکه ی من! ببینید من آنقدر ساده گرفته ام اما او خوابیده است چیزی به اذان صبح نمانده، او را بیدار کنید دلم برایش تنگ شده است امشب با من حرف
. نزده .

. ملائکه : خداوندا! دوباره او را بیدار کردیم ، اما باز خوابید

. خدا : ملائکه ی من در گوشش بگویید پروردگارت منتظر توست

ملائکه : پروردگارا! باز هم بیدار نمی شود

خدا: اذان صبح را می گویند هنگام طلوع آفتاب است ای بنده ی من بیدار شو

. نماز صبحت قضا می شود خورشید از مشرق سر بر میآورد

ملائکه : خداوندا! نمی خواهی با او قهر کنی ؟

خدا: او جز من کسی را ندارد ... شاید توبه کرد

بنده ی من تو به هنگامی که به نماز می ایستی من آنچنان گوش فرا میدهم که

انگار همین یک بنده را دارم و تو چنان غافلوی که گویا صد ها خدا داری

یکی از عبادت‌های مهم روزه گرفتن است

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

طُوبَى لِمَنْ ظَمًا، أَوْ جَاعًا لِلَّهِ، أَوْلَيْكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

خوشا بحال کسانی که برای خدا گرسنه و تشنه شده اند اینان در روز قیامت سیر می شوند^۱



::: روزه اولیا خدا

ابن عباس می گوید: «پیامبر سه روز از هر ماهی روزه داشت و می فرمود: این سه روز روزه، برابر با روزه کل سال است».

دو - حضرت داوود علیه السلام

حضرت داوود علیه السلام همیشه یک روز در میان روزه می گرفت

هدایة الامة الی احکام الائمة ج 4 ، ص 268 ، ح 9¹

سه - حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام از اول ماه، سه روز و از وسط ماه سه روز و از آخر ماه نیز سه روز روزه می داشت

چهار - حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام در همه عمرش روزه بود [بیشتر روزها را روزه بود]

ب) صحابه بزرگوار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

یک - سلمان فارسی

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از اصحاب خود پرسید: «در میان شما چه کسی در تمام عمر روزه است؟ سلمان گفت: من. یکی از حاضران ناراحت و خشمگین شد و گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! سلمان یک نفر ایرانی است و می خواهد بر ما قریش افتخار کند. من در بسیاری از روزها او را دیدم که غذا می خورد».

پیامبر فرمود: «صبر کن تا خودش پاسخ گوید.» سلمان گفت: «آن گونه که تو گمان کردی، نیست. من در هر ماه سه روز روزه می گیرم. در قرآن آمده است:

«کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن را به او پاداش می دهیم.» بنابراین سه
«روز روزه گرفتن من در هر ماه همانند روزه گرفتن در تمام ماه است».

دو - حمزه بن عبدالمطلب

حضرت حمزه، عموی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که در جنگ احد و در آن
شرایط سخت و خطرناک با وضع بسیار دل خراشی، به دست وحشی به شهادت
رسید، روزه دار بود.

سه - جعفر طیار

در جنگ موته، جعفر طیار به سبب جراحت ها بر روی زمین افتاده بود. او را به
زیر خیمه مجروحان آوردند، چشمش بسته بود. معلوم بود که خیلی تشنه است،
ظرف آبی برایش آوردند. آرام شانه اش را تکان دادند، چشم های خود را با
زحمت باز کرد. گفتند: «آب میل داری؟» گفت: «آب را تا مغرب نگه دارید. اگر
زنده بودم، از این آب می خورم و اگر هم زنده نماندم، با لب تشنه به پیشگاه
«خداوند می روم. اکنون من روزه ام و نمی خواهم روزه ام را افطار کنم».

مژده به روزه داران

قال الصادق عليه السلام:

من صام لله عزوجل يوما في شدة الحر فاصابه ظما و كل الله به الف ملك

.يمسحون وجهه و يبشرونه حتى اذا افطر

امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس که در روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود خداوند هزار فرشته را می گمارد تا دست به چهره او بکشند و او را بشارت دهند تا هنگامی که

افطار کند.^۲

.الصبر الصوم

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عزوجل که فرموده است: از صبر و نماز

.کمک بگیرید، صبر، روزه است^۳

الکافی، ج 4 ص 64 ح 8؛ بحار الانوار ج 93 ص 247²

دعا یکی از عبادتهای مهم است...

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

غافر ایه 60

و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از
عبادت من تکبر ورزند، به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند.

در ایه مذکور خدا گفته هر که بخاطر تکبر دع نکند اهل جهنم است.

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان 77) بگو اگر دعا نکنید خدا به شما اعتنا
نمی کند....

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۗ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

هنگامی که بندگانم از تو درباره من پرسند، [بگو:] یقیناً من نزدیکم،
دعای دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می کنم؛ پس باید دعوتم

را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند]

حدیث نبوی است که: خداوند افرادی که خیلی دعا می کنند را دوست دارد

چرا باید دعا کنیم؟

یکی از بزرگترین نعمتهایی که خداوند متعال به بشر داده این است که اجازه داده هر زمان و هر ساعتی خواستند با خدا حرف بزنند و خواسته های خود را از کسی که همه ثروت های در اختیار اوست و همه قدرتها تحت سیطره اوست و همه مخلوقات تحت فرمان او هستند و همه جهان هستی در اختیار اوست، بخواهند. و او هم برآورده می کند. البته دعای ما سه حالت دارد. یا فوری برآورده می شود. یا اینکه بخاطر عدم مصلحت، بجایش دعای دیگر برآورده میشود و یا اینکه می ماند و در قیامت بخاطر دعایی که به اجابت نرسید پاداشهای فراوانی در آن روز نیاز شدید انسان به پاداش الهی، به او داده میشود. پس باید همیشه و هر روز و هر شب، به دعا مشغول باشیم و از خداوند بی نیاز، نیازهای خود را درخواست کنیم و فقط از او بخواهیم و از غیر خدا ناامید باشیم. و از غیر خدا نخواهیم.....»دعا اسلحه مؤمن است. دعا سپر مؤمن است.....»رسول خدا همیشه دعا می کرد از

جمله در حال نگاه کردن به آئینه، هنگام سوارشدن بر مرکب، هنگام خوابیدن، وقتی که سفره پهن می کردند، هنگام دست بردن بسوی غذا، وقت جمع کردن سفره، هنگام نوشیدن شیر، هنگامی که میوه نوبر می خوردند، هنگام ورود به بیت الخلاء، هنگام افطار، موقع عبور از قبرستان، هنگامی که از چیزی خوشحال می شدند، در تعقیب نمازها، موقع دیدن ماه، وقت تحویل سال، موقع گرفتاری و غم، هنگام طلوع آفتاب، هنگام وضو.....

پیامبر فرمود: آیا شمارا از اسلحه‌ای که شمارا از دست دشمنان نجات داده و روزی شمارا زیاد می کند، آگاه نکنم؟ گفتند: چرا. فرمود: شبانه روز دعا کنید که دعا اسلحه مؤمن است ..

میسر بن عبد العزیز گوید: حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: **ای میسر دعا کن و مگو که کار گذشته است** و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)، همانا نزد خدای عز و جل منزلت و مقامی است که بدان نتوان رسید جز بدرخواست و مسألت، و اگر بنده‌ای دهان خود ببندد و درخواست نکند چیزی باو داده نشود، پس درخواست کن تا بتو داده شود، ای میسر هیچ دری نیست که کوبیده شود جز اینکه امید آن رود که بروی کوبنده باز شود. (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی؛ ج 4؛ ص 211).....

حضرت رضا علیه السلام همیشه باصحاب خود میفرمود: بر شما باد باسلحه

پیمبران باو عرض شد: اسلحه پیمبران چیست؟ فرمود: دعاء است.⁴

سدید گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: کدام عبادت بهتر است؟ فرمود:

چیزی نزد خدای عز و جل بهتر از این نیست که از او درخواست شود (بنده دعا

کند) و از آنچه نزد او است خواسته شود، و کسی نزد خدای عز و جل مبعوض تر

نیست از آن کس که از عبادت او تکبر ورزد (و سرپیچی کند) و آنچه نزد او

(است درخواست نکند). (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی ؛ ج 4 ؛ ص 210)

⁴ أصول الکافی / ترجمه مصطفوی ؛ ج 4 ؛ ص 214

نیکی به پدر و مادر

از مهمترین چیزهایی که موجب خوشنودی خدا میشود نیکی به والدین است

۱۴: بار سفارش پدر و مادر

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۸۳ بقره ۱۰


وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۳۶) نساء ۲۰


وَبِرًّا بَوَالِدَيْهِ.. (۱۴) مریم ۳۰


وَبِرًّا بَوَالِدَتِي... (۳۲) مریم ۴۰


رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ... (۴۱) ابراهیم ۵۰


رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ... (۲۸) نوح ۶۰


وبالوالدين احساناً... ١٥١ انعام ٧. 


ووصينا الانسان بوالديه حسناً. ٨ عنكبوت ٨. 


وصينا الانسان بوالديه... ١٤ لقمان ٩. 

ما انفقتم من خير فللوالدين... ٢١٥ بقره ١٠. 


الوصية للوالدين... ١٨٠ بقره ١١. 


وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.. (٢٣) اسراء ١٢. 



وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ١٣. 


والدی قال لوالدیه اف لکما...۱۱۷حقاف.۱۴ 



آنان که به والدین توهین میکنند عذاب میشوند


 ضرورت ادب و احترام به والدین

نکته اول پیامبر_اکرم_صلی الله علیه واله  1


 اگر فرزند به تعداد ریگهای بیابان و قطرات باران در جهان، در ادای حق مادر  بکوشد معادل روزی که مادر فرزند را در شکمش حمل می کرد نمی شود

قلم دوم حضرت_امام_خمینی_ره  2


 بانوان محترم! شما مسئولید که در دامن های خودتان اولاد متقی بار بیاورید،  تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید. دامن مادر بهترین مکتب است برای اولاد

قلم سوم حضرت امام_خامنه_ای  3


بزرگترین دانشمندان ممکن است یک ابزار پیچیده الکترونیکی به وجود
آورند، موشک قاره پیما بسازند، فضا را تسخیر کنند، اما هیچ یک از این ها
اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان به وجود آورد و او مادر است


قلم چهارم علامه_حسن_زاده_آملی در وصف مادر  5


همانا یقین دارم هر برکتی که از پروردگارم به من افاضه شده است، از اینجا ناشی
شده که خدای تعالی مرا در چنان دامن عفیفی پرورش داده و از چنان پستان
شریفی روزی ام فرمود


قلم پنجم آیت_الله_مجتهدی_ره  5


اولین عملی که باعث خوب شدن کار و بار انسان می شود، راضی نگه
داشتن پدر و مادر است و دومین عمل، نماز اول وقت


قلم ششم آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی اگر شخص مرتکب زنائی یا  6 غیبتی شد، یک گناه بیشتر در نامه اعمال او نمی نویسند، اما اگر عاق پدر و یا مادر شد تا حلالیت حاصل نشده است هر روز گناهکار است

قلم هفتم علامه _حسینی_ طهرانی  7

در بوسیدن دست پدر و مادر برکتی است مخصوص خود آن و در جای  دیگر پیدا نمی شود.

قلم هشتم آیت _الله_ سعادت_پرور  8

در مقابل پدر و مادر مراعات ادب و احترام کنید ، زیرا ایشان واسطه هستی و  هر سعادتى که نصیب شما شود ، شده اند.

اخلاق خوبان، ص 156 

نگاه با محبت به والدین ثواب حج و عمره دارد

...خدمت به آنها از برترین عبادات است...

اگر در حال نماز مستحبی مادر صدات کرد نماز رو بشکن...

نیکی به آنها کفاره گناهان است..

اگر با عصبانیت با پدر و مادر برخورد کردی نمازت قبول نیست و باعث خشم

خدا میشود

اولین نوشته در کره زمین پیدا شد نوشته بود من خدای واحد هستم هر که

پدر و مادرش ازش راضی باشند منم ازش راضی میشم و هر که پدر و مادرش ازش

ناراضی باشند منم ناراضیم

شهید در جهنم؟

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت موسی بن عمران به پروردگار

عرض کرد که آن دوست من که شهید شد حالش چگونه است؟ خطاب رسید او

در جهنم است. عرض کرد پروردگارا مگر شهید را وعده بهشت نداده‌ای؟

فرمود: چرا ولی او اصرار داشت به آزردن پدر و مادر و من عمل کسی را که بر

پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی‌کنم

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به والدینش اسوه بود، به گونه ای که مادرش نقل می کند: «اگر پایین تر از او می نشستیم بلند می شد و می رفت جایی که پایین تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می کرد دست به سینه عقب می رفت و بعد برمی گشت

آداب در محضر پدر و مادر

پدر و مادر حق زیادی بر گردن فرزندان دارند، لذا رعایت حقوق و احترام آنان، آثار معنوی بسیار ثمر بخش و حتی در امور دنیوی فرزندان تأثیر گذار می باشد. از طرف دیگر، عدم احترام به ایشان آثار زیانبار و جبران ناپذیری در دنیا و آخرت برایشان در پی خواهد داشت. به راهکارهایی در باب احترام پدر و مادر توجه فرمایید: 1- با آنها نیکو سخن بگویید 2- اگر آنها را ناراحت کرده اید، بکوشید تا خوشحالشان کنید. 3- در نیکی کردن به پدر و مادر، خوب و بد بودن آنها را ملاحظه نکنید، (حتی باید به والدین غیر مؤمن نیکی کرد) 4- اگر امر به حرامی کردند، اطاعت نکنید اما حق بدرفتاری با آنان را ندارید. 5- لازم است بعد از درگذشت آنها نیز به ایشان احساس کنید: الف- برایشان نماز بخوانید ب-

برایشان استغفار کنید 6- پس از مرگ آنان، تعهدات و بدهیهایشان را ادا کنید

7- دوستان آنها را نیز اکرام کنید 8- پیش از آن که چیزی از شما بخواهند، حاجتشان را بر آورید. 9- در حضورشان با احترام بنشینید 10- صدای خود را از صدای آنها بلندتر نکنید 11- در چشمانشان خیره نشوید 12- با دست و چشم به آنها اشاره نکنید 13- آنها را به اسم صدا نزنید 14- جلوتر از ایشان راه نروید (مگر آنکه ضرورتی داشته باشد) 15- قبل از ایشان ننشینید 16- اگر عصبانی شدند، نسبت به آنان خشوع کنید 17- در همه حال از آنها تشکر کنید 18- مراقب باشید، هیچ گاه به ایشان دشنام ندهید 19- بکوشید تا هرگز آنها را خشمگین نسازید 20- در حد ممکن، در بر آوردن نیازها و تأمین هزینه آنان بکوشید 21- هر قدر می توانید نسبت به ایشان نیکی کنید 22- هرگز در مقابل ایشان تکبر نکنید 23- در خواستههایشان را بر آورده سازید (هر چند به آن نیاز نداشته باشند) 24- چنانچه در حق شما بدی کردند؛ در مقابل، برایشان استغفار و طلب خیر کنید. 25- در مجالس، بالاتر از ایشان ننشینید 26- اگر پیش آنان بمانید، در حد امکان از ایشان جدا نشوید 27- در احسان به والدین، جانب مادر را بیشتر مراعات کنید. 28- به وصیت‌هایشان عمل کنید 29- بدهی‌های آنان را ادا کنید (در صورت توانایی) 30- اگر بین امر و نهی والدین تعارضی بوده اگر

- ممکن است، رضایت هر دو را جلب کنید و گرنه، جانب مادر را ترجیح دهید-
- 31- اگر در وقت نماز شما را به کاری امر کردند، نماز را به تأخیر انداخته و فرمان آنان را اطاعت کنید. 32- از آزار دیگران نسبت به والدین جلوگیری کنید
- 33- پیش از آنان شروع به خوردن غذا نکنید 34- در مجالس، روی خود را از آنها برنگردانید. 35- کاری نکنید که دیگران به پدر و مادر شما بد بگویند 36-
- در وقت ورودشان از جا برخیزید 37- هرگز برای آنان آرزوی مرگ نکنید 38-
- از آنان بخواهید تا در حق شما دعا کنند (دعای پدر مادر در مورد فرزندان مستجاب است انشاء الله) 39- غیبت آنان را مدارید و نگذارید دیگران از آنها غیبت کنند 40- صفات نیک ایشان را در حضور و غیابشان یادآور شوید 41-
- ابراز محبت خود را نسبت به آنها آشکار کنید. 42- هر چه می‌توانید در برابر شان تواضع کنید 43- از ایشان تقاضایی نکنید که موجب شرمندگیشان شود.
- 44- بدی‌هایشان را فراموش کنید و تکرار نکنید 45- نیکی به پدر و مادر را به بهانه این که آنان هنوز جوان هستند ترک نکنید 46- لزوم احترام ایشان را به اعضای دیگر خانواده گوشزد کنید 47- در حد امکان، زمینه تفریح، گردش و زیارت را برایشان فراهم آورید. 48- نقاط ضعف آنان را برای دیگران بازگو

نکنید. 49- بعد از رحلتشان همیشه بیاد آنها باشید و برایشان نماز و قران و خیرات

انجام بدهید. 50- اگر حق الناس یا حق الله به گردن دارند ادا نمایید

یکی از چیزهایی که موجب رضایت خداوند است جهاد در راه خداوند است

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص (صف)

خداوند رزمندگان اسلام را دوست دارد.

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ
فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

(نساء ایه 76)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه

طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران

شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش)

ضعیف است.

فرق مومن با کافر آنست که مومن در راه خدا مبارزه می کند و کافر در راه

طاغوت می جنگد.

قرآن کریم مؤمنان را به پیکار و جهاد در راه خداوند تشویق و فضیلت و پاداش

بزرگی را برای آنان ذکر کرده است

انَّ اللّٰهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّاتٌ يُّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبَشِرُوا بِنِعْمَتِ اللّٰهِ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّاتٌ يُّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بِعَهْدِهِ مِنْ اللّٰهِ فَاسْتَبَشِرُوا بِنِعْمَتِ اللّٰهِ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّاتٌ يُّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بِعَهْدِهِ مِنْ اللّٰهِ فَاسْتَبَشِرُوا بِنِعْمَتِ اللّٰهِ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّاتٌ يُّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

111، از سوره 9: التوبة

یقیناً خدا از مؤمنان جان ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می کنند، پس [دشمن را] می کشند و [خود در راه خدا] کشته می شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمانیش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَكْبَرًا ذَٰلِكَ صِبْغَةُ اللّٰهِ
اللّٰهِ وَ أَوْلَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

توبه ایه 19

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ تر و برتر است، و فقط اینانند که کامیابند

در بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جهاد در راه خدا، برترین و

محبوب ترین اعمال پس از اقامه نماز و نیکی به پدر و مادر، برشمرده شده و آن

را با ارزش ترین عمل مؤمن، دانستند. عملی که غیر از یک مسلمان برجسته، کسی به آن دست نمی یابد.

در کلام پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بهترین مردم، مردی دانسته شده است که خود را وقف راه خدا کرده و با دشمنان او می جنگد و خواستار مرگ یا کشته شدن در میدان کارزار است. ایشان جهاد را بیعت رزمندگان با خدا، و مایه سلامت و بی نیازی آنان و موجب بزرگی و شرافت فرزندانشان بیان کردند. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) یک روز پایداری ورزیدن در میدان جهاد، را از چهل سال عبادت بهتر دانستند

و اجر و پاداش هر رنج و سختی ای را که رزمندگان در راه جهاد متحمل می شوند را پاداشی به اندازه پاداش شهادت در راه خدا دانستند. می فرمودند: «بر عمل کرد هر مرده ای مهر پایان زده می شود، مگر جهادگر پیشتاز در راه خدا، زیرا عملش تا «روز قیامت برای او رشد داده می شود و از عذاب قبر ایمن می گردد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود مجاهدان در راه حق را، مایه مباهات خداوند عزوجل بر فرشتگان و باعث درود و سلام فرشتگان بر او دانستند و فرمودند: «بهشت، دروازه ای دارد به نام “دروازه مجاهدان”. مجاهدان، با

شمشیرهای حمایل شده خود، به سوی این دروازه که به رویشان باز است، پیش
«می روند، در حالی که خلائق و فرشتگان، به آنان خوشامد می گویند

علت اینهمه اهمیت جهاد انست که جهاد برکات فراوانی برای اسلام و مسلمین
دارد.

جهاد باعث عزت می شود. جهاد باعث هلاکت دشمنان میشود. جهاد باعث حفظ
اسلام می شود. جهاد باعث قدرت اسلام میشود. جهاد باعث جلوگیری از نفوذ
...دشمنان می شود و

اگر در دین تحریف شده مسیحیت آمده که اگر بصورت راست زدند قسمت
چپ صورت را نشان بده تا بر آن طرف هم سیلی بزنند! ولی در اسلام می فرماید
اگر به شما ظلم و تعدی کردند مقابله به مثل بکنید. و انقدر با دشمن بجنگید تا
...فتنه خاموش شود و

در قرانی که در امریکا چاپ کردند همه آیات جهاد را حذف کرده بودند! زیرا
کفار و منافقین مسلمانی می خواهند که اهل جهاد و مبارزه با دشمن نباشد و مانند
دراویش و صوفی ها بی حال و بی تفاوت بنشینند و نظاره گر تجاوز دشمن به
مسلمانان باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مُقَامُ أَحَدِكُمْ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةٍ فِي بَيْتِهِ سَبْعِينَ عَامًا

یک روز جهاد و پایمردی یک نفر از شما در راه خدا، از هفتاد سال نماز خواندن

(در خانه خود افضل و بالاتر است. (مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۸

ارزش جهاد در راه خدا... مردی که حتی یک رکعت نماز نخواند ولی مؤمن و از

جمله بهشتیان شد و از دنیا رفت

مردی از اهل مدینه به نام عمرو بن قیس که تا آن زمان ایمان نیاورده بود، شنید که

رسول الله صلی الله علیه و آله به احد رفته است، سلاح برداشت و در حالی که

فریاد می‌کشید: اشهدان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله، شمشیر می زد، و از

اسلام دفاع می کرد و همان جا شهید شد، مردی از انصار او را در میان کشتگان

دید، گفت: یا عمرو آیا در دین سابقت هستی گفت: نه والله ایمان آورده ام، این

بگفت و روحش به عالم بقا پر کشید، مردی از یاران به رسول الله صلی الله علیه

و آله خبر آورد که عمرو بن ثابت (قیس) اسلام آورده و مقتول شده است آیا

شهید شده است فرمود: ای والله شهید است هیچ مردی جز او نیست که حتی یک

رکعت نماز نخواند و داخل بهشت شد

پیشنهاد شهید دستغیب به رزمنده اسلام

شهید دستغیب خطاب به رزمندگان دفاع مقدس می گوید من حاضرم 70 سال عبادت، نماز و روزه خود را به دو رکعت نماز تو ای رزمنده عوض کنم؛ اما در این معامله این تویی که ضرر می کنی زیرا آن دو رکعت نمازی که تو در حال دویدن با لباس های نجس بدون وضو و تیمم در نبرد حق علیه باطل با چشم و ابرو خواندی ارزشش بیش از 70 سال عبادت نماز و روزه های من است

پیامبر در راس مجاهدان

در منابع روایی و تاریخی مسلمانان آمده، از زمانی که جهاد بر مسلمانان واجب گردید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خود در راس مجاهدان راه حق قرار گرفت و جهاد در راه خدا را در همه جبهه ها و در همه مناطق و در همه اشکال و گونه های آن رهبری کرد. او در سخت ترین میدان ها حضور می یافت، و با کمال ثبات و استواری در آن مستقر می شد و در این راه از بذل جان و مال هیچ دریغ نداشت.

ایشان تا روزی که رحلت فرمود بالغ بر بیست و هفت غزوه (جنگی که خود پیامبر در آن حضور داشت) و سی و هشت سُرّیه (جنگی که پیامبر در آن حضور نداشت) علیه دشمنان انجام داده بود؛

اما در هیچ یک از این جنگها پشت به دشمن نکرد و هرگز دچار تزلزل نگشت

ما ملت امام حسینیم... ما پیرو امیرالمومنین و امامان بعد او هستیم... شیعیان ان حضرت هم مانند او شجاعند و از مرگ نمی هراسند.. به نمونه ای از شجاعت

:امیرالمومنین اشاره میشود

قوت قلب علی علیه السلام که از ایمان و یقین وی سرچشمه می گرفت، در هیچ بشری دیده نشده است. روزی در جنگ صفین ایشان به چهره خود نقاب زده و به صورت یک فرد ناشناس در جلو صفوف شامیان مبارز می طلید. پس از آن که گروهی از مبارزان شام را به خاک هلاکت افکند، معاویه به عمرو عاص گفت: این شجاع قوی دل کیست؟

عمرو گفت: او یا عبدالله ابن عباس است و یا خود علی است. معاویه گفت چگونه می توان تشخیص داد؟

عمرو گفت: ابن عباس مرد شجاعی است، ولی در مقابل حمله عمومی سپاه به این انبوهی نمی تواند مقاومت کند. تمام سپاهیان را فرمان حمله بده که از جای بجنبند و به این جنگجو حمله کنند. اگر رو گرداند و فرار کرد ابن عباس است و اگر ثابت و پا بر جا ماند علی است، زیرا علی از تمام عرب اگر به مقابله اش برخیزند رو نمی گرداند چه رسد به سپاه تو

معاویه برای آزمایش، فرمان حمله عمومی داد و تمام سپاه او به حرکت در آمد. اما آن مبارز، چون کوه آهنین در جای خود ثابت و برقرار بود، آن گاه فهمیدند. علی علیه السلام است که پیکار می کند، لذا فرمان عقب نشینی دادند.

نقش ایمان به خدا در پیروزی رزمندگان اسلام

همانطور که در صدر اسلام مسلمانان با اینکه از هر جهت از دشمن کمتر بودند ولی همین مسلمانان با سلاح ایمان موفق شدند دو امپراطوری ایران و روم را شکست بدهند. در هشت سال دفاع مقدس هم اینگونه بود.

شهریور سال 59 ارتش بعث عراق با همکاری بسیاری از کشورهای غربی به 31 ویژه آمریکا حمله همه جانبه ای را علیه انقلاب نوپای ایران آغاز کرد، ویرانی این حمله آنقدر فراوان بود که همچنان پس از گذشت 40 سال همچنان می توانیم آثار مخرب را در بسیاری از شهرهای خرمشهر، آبادان و حتی اهواز مشاهده کنیم.

از همان ابتدا مردم ایران از زن و مردم گرفته تا پیر و جوان عزم خود را برای عقب راندن دشمن متجاوز جزم کردند، هر چند که رزمندگان اسلام از نظر تعداد

نیرو و تجهیزات بسیار کمتر از دشمن بودند اما همین مورد تبدیل به مصداق آیه
«كَمْ مِنْ فِئَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» شد تا این مردمی که به سلاح
ایمان مجهز بودند پس از گذشت هشت سال و شهادت بیش از 200 هزار نفر از
رزمندگان اسلام در این جنگ نابرابر پیروز شوند

غیر از ایمان هیچ چیز مورد دیگری در این واقعه نمی‌تواند نمود پیدا کند که
باعث شود ملتی اینگونه برای دفاع از خاک خود از جان و مال خود بگذرد و
همه این موارد در گرو ایمان به خدا و توسل به ائمه معصومین و الگوگیری از
قیام بزرگ عاشورا است

شهید مهدی زین الدین فرمانده لشکر 17 علی بن ابیطالب قم برای رزمندگان
:سخنرانی می‌کرد و می‌گفت

هر موقع سحرها می‌بینم شماها دارید نماز شب می‌خوانید نتیجه می‌گیرم که در
عملیات بعدی پیروزیم و هر وقت می‌بینم سحرها خواهید می‌فهمم که تو عملیات
بعدی دچار مشکل می‌شویم...

عشق رزمندگان اسلام به امام حسین علیه السلام بی نظیر بود

زمزمه رزمندگان اسلام این بود

همه عالم یه طرف، حسین زهرا یه طرف

هرچی عشقه یه طرف، عشقه به مولا یه طرف

این کیه هر کی صداش می کنه دیونش میشه

دیگه جایی نمی ره گدای این خونش می شه

این کیه که اسمشو هر کی تو عالم می بره

همه ی وجودشو مصیبت و غم می بره

این کیه که عشق اون عالمو حیرون می کنه

غم کربلاش دل فاطمه رو خون می کنه

اسم اون حسینه و جونیه ما به فداهش

خدا اون روزو بیاره که بریم به کربلاش

نمی دونم که چرا دلم بر اش پر می زنه

هر کی تو روزش بیاد به سینه و سر می زنه

یکی نیست تو کربلا خواهرشو یاری یاری بده

یکی نیست تو قتلگاه برا حسین زاری کنه

نمی دونم که چرا قامت خواهرش خمه

هر چی ما گریه کنیم برا حسین بازم کمه

دیگه چیزی نمی خوام حسین زهرا رو میخوام

گل و بوستان نمی خوام خیمه مولا رو می خوام

اری ایمان به خداوند مهربان و نماز اول وقت و نماز شب و دعای توسل و زیارت
عاشورا و ... در سراسر جبهه ها تجلی داشت. و همین باعث پیروزی رزمندگان
اسلام بر صدامیان کافر گردید.

صبر جمیل موجب رضایت و خوشنودی خداوند است

فاصبر صبراً جمیلاً (سوره معارج ایه 4) خدا به رسولش میگه: ای پیامبر صبر جمیل

پیشه کن صبر جمیل یعنی شکیبایی زیبا و قابل توجه، صبر و استقامتی که تداوم
داره درش بی تابی و جزع و شکوه و آه و ناله نیست درش یاس و ناامیدی نیست
به این میگن صبر جمیل و الا اگر انسان صبر بکنه ولی مأیوس بشه بی تابی بکنه
این صبر صبر جمیل نیست اون صبوری که همراه با وقار و آرامشه بهش میگن صبر
جمیل

پیامبر خدا از جبرئیل سوال کردن ای جبرئیل معنای صبر چیه جبرئیل گفت اینکه

در سختی صبر کنی همانطور که در زمان آسایش صبر می کنی در فقر صبر کنی
همانطوری که در هنگام توانگری صبر می کنی در بیماری و مریضی صبر کنی
همانطوری که در زمان عافیت صبر می کنی

یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلوه... ای مومنین از صبر و نماز کمک

بگیرید.....

در حدیث نبوی است که ایمان دو نیمه دارد صبر و شکر و انبیاء و اولیاء هر دو را
داشتند.. با اینکه بزرگترین بلاها را دیدند ولی هر گز به خدا اعتراض نکردند بلکه
می فرمودند هر چه خدا داد زیبایی و لطف بود....

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

علامت داشتن صبر، اعتراض نکردن به خدا در بلاها است...

ادمی که صبر دارد هیچوقت خدا را مقصر نمی داند. بلکه معتقد است خدا مظهر
مهربانی است و هرگز از او ظلم صادر نمیشود و پشت پرده بلاها، رشد و
شکوفایی بشر است...

امام صادق (ع) به شخصی بنام سدید فرمود: «خداوند هرگاه بنده ای را دوست
بدارد، او را در بلا فرو می برد. ای سدید! ما و شما شیعیان روز و شب ها را با بلا
سپری می کنیم. (ری شهری، 85/)

حکایت صبر موسی (ع)

حضرت موسی (ع) چند وقتی چوپانی شعیب می کرد. روزی گوسفندی از بین گله بیرون آمد و به بیابان رفت. حضرت موسی (ع) در پی آن گوسفند به راه افتاد . گوسفند می دوید و موسی همینطور در پی او می دوید ، تا جایی که از گله گوسفند بسیار دور شدند. عاقبت شب شد و گوسفند آنقدر دوید که خسته شد و حضرت موسی (ع) او را گرفت ؛ گرد و غبار سر و رویش را پاک کرد و دست مهر بر پشتش کشید و او را مثل مادر نسبت به فرزند ، نوازش کرد . حضرت موسی حتی ذره ای عصبانی نشد و با مهربانی تمام به گوسفند گفت : گیرم به من رحم نکردی ، چرا به خودت ستم نمودی ؟

وقت خشم و وقت شهوت ، مرد کو طالبِ مردِ چینم کو به کو

خداوند متعال زمانی که صبر و تحمل حضرت موسی (ع) را دید به فرشتگانش . فرمود : موسی شایسته ی مقام پیامبری است

پیامبر اسلام می فرمایند: خداوند تا همه ی پیامبران را مدتی ، به شغل چوپانی
نیازمود ، رهبر انسان ها قرار نداد

مقصود این بود که آنها صبر و وقار را به طور عملی بیاموزند تا در رهبری انسان
ها ، با پای آزمایش شده به میدان بروند . فردی از آن حضرت پرسید : شما نیز
.چوپانی کرده ای ؟ فرمود : آری من نیز مدتی چوپانی کرده ام

امام صادق علیه السلام می فرماید: «روزی خداوند به حضرت داوود علیه السلام
وحی کرد که نزد زنی به نام خلّاده دختر اوس برود و به او بشارت بدهد که او
اهل بهشت و هم نشین تو در بهشت خواهد بود

حضرت داوود علیه السلام به خانه خلّاده رفت و در خانه اش را کوبید. خلّاده
بیرون آمد و عرض کرد: چه شده است که تو را اینجا می بینم؟ داوود علیه السلام
فرمود: «خدای تعالی به من وحی کرد که تو هم نشین من در بهشت خواهی بود.»
خلّاده گفت: ای پیامبر خدا! سخن شما را تکذیب نمی کنم، ولی به خدا سوگند،
در وجود خود چنین سعادت نمی بینم. حضرت داوود (علیه السلام) فرمود: از
درونت خبر بده که در آن چه می گذرد؟ خلّاده گفت: هرگز به هیچ دردی مبتلا
نشدم و هیچ گزند و گرسنگی به من نرسید، مگر اینکه در برابرش صبر کردم و از

خداوند نخواستم که آن را از من برطرف سازد تا آنکه او اگر خواست، آن را از من دور کند و عافیت و گشایش دهد و به جای آن، خدا را بر آن درد و گرفتاری، شکر و سپاس گفتم. حضرت داود علیه السلام فرمود: «فَبِهَذَا بَلَغَتْ مَا بَلَغَتْ؛ پس بدین سبب، به این مقام رسیده‌ای.» سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «و هَذَا دِينَ اللَّهِ ارْتِضَاءً لِلصَّالِحِينَ؛ این همان دین خداست که برای بندگان صالح و نیکوکار خود برگزیده است...»

اهل بیت علیهم السلام سرآمد صبر و استقامت

در تمامی چیزهایی که موجب رضایت خداوند است اهل بیت (ع) در اوج بودند

مثلا در صبر در اوج صبر بودند

حضرت فاطمه زهراء (س) انقدر صبور بودند که خداوند متعال، حضرتش را قبل

از خلقت جسمش مورد امتحان صبر قرار داد و حضرت در این آزمون موفق

بودند کما اینکه در زیارتنامه آن حضرت ذکر شده است: «يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ

اهلُ الذی خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صابره؛ ای آزموده آزمود

تو را خدایی که تو را آفرید پیش از آنکه تو را بیافریند پس دریافت تو را در برابر آزمایشش صبور یافت.

خود حضرت فاطمه فرمودند:

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامَ صِرْنَ لَيَالِيَا

! که اگر بلاهایی که بر من وارد شد بر روزها وارد میشد، روزها شب می شدند

اگر امیرالمومنین 25 سال خانه نشینی را تحمل نمی کرد . بیست و پنجسال که

فرمود

فصبرت و فی العین قذی، و فی الحلق شجا،

مانند خار در چشم و استخوان در گلو بود، اگر حضرت صبوری نمی کرد، در

منصب امامت پیروز نمی شد

صبر زینب کبری انقدر مشهور است که ایشان مظهر صبر شناخته شده است

یکی از درسهای مهم حماسه حسینی، درس صبر و استقامت است

فقط صابران بیایند: امام حسین علیه السلام هر چند یاران و اصحاب معدودی داشت، ولی این گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و نصرت هر بی صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که فقط صابران بیایند و بمانند: «ایها الناس فمن کان منکم یصبر علی حد السیف و طعن الاسنه فلیقم معنا و الا فلینصرف عنا؛ ای مردم! هر کدام از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] و گرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سرگیرد و بیرون رود از کربلای ما

روز عاشورا و صبر بی پایان: وقتی روز عاشورا فرا رسید و فشار نظامی، تشنگی و مشکلات دیگر هجوم آوردند، یاران اطراف امام حسین علیه السلام را گرفتند و نگاه به چهره او دوختند، تا ببینند چه رهنمودی می دهد. امام حسین علیه السلام

به راستی صحنه های بسیار زیبایی از پشت پرده های صبر را به نمایش گذاشت
که به برخی موارد آن اشاره می شود

الف) خطاب به یاران با چهره ای گشاده و با نفس آرام فرمود: «صبرا بنی الکرام
فما الموت الا قنطرة عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة والنعيم الدائمة؛ ای
فرزندان کرامت و شرف! شکیبا باشید، مرگ پلّی بیش نیست که ما را از
مشکلات و سختیها به سوی بهشت وسیع و نعمتهای جاویدان عبور می دهد
و در جای دیگر فرمود: «ان الله قد اذن فی قتلکم فعلیکم بالصبر؛ بر راستی خداوند
اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم است که صبر
کنید

ب) آن حضرت خطاب به احمد بن حسن علیه السلام، آنگاه که بعد از جنگ
آشکار برگشت و از عمو آب خواست، فرمود: «یابنی اصبر قليلا حتی تلقی
جدک فیسقیک شربة من الماء لا تظما بعدها ابدا؛ پسر من! مدت کمی شکیبایی
کن تا جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را، ملاقات کنی، پس آنگاه از آبی
». سیرابت کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی

ج) امام حسین علیه السلام خطاب به علی اکبرش هنگامی که برای تجدید قوا
آب خواست، فرمود: «اصبر حبیبی فانک لاتمسی حتی یسقیک رسول الله بکاسه;
عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله
» . سیراب می شوی

گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم

نفس شمرده زدم همراهت پیاده دویدم

محاسنم به کف دست بود و اشک به چشمم

گهی به خاک فتادم گهی ز جای پریدم

دلم به پیش تو، جان در فغان دیده به قامت

خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم

هنوز العطشت میزد آتشم که زمیدان

صدای یا ابتای تو را دوباره شنیدم

پسرم! نه تیغ شمر مرا می کشد نه نیزه خولی

زمانه کشت مرا لحظه ای که داغ تو دیدم

د) آن گاه که به درب خیمه زنها آمده و فریاد کشید: سکینه، فاطمه، زینب، ام

کلثوم، خدا حافظ من هم رفتم، زنها و بچه ها شروع به گریه کردند، حضرت

خطاب به سکینه فرمودند: «یا نور عینی ... فاصبری علی قضاء الله ولا تشکی فان

الدنیا فانیة والآخره باقیة؛ ای نور چشمم! ... پس باید بر تقدیرات الهی صبر کنی و

شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و آخرت ماندگار است

آن گاه که حضرت به زمین افتاده بود و لحظات آخر عمر خویش را سپری می

کرد، آخرین پرده از شکوه و صبر خویش را با این جملات به عرصه نمایش

گذاشت: «صبرا علی قضائک لاله سواک یا غیاث المستغیثین ولا معبود غیرک،

صبرا علی حکمک

موارد صبر:

صبر موقعی که دعوات مستجاب نمیشه

صبر وقتی ادم بیماری سختی گرفته

صبر وقتی وضع مالی بدی داری

صبر وقتی اسیر دشمن شدی

صبر وقتی دچار مصیبت از دست دان عزیزان میشی

صبر وقتی مشکلات زیادی داری

صبر وقتی همسرت بداخلاقه

صبر وقتی فرزند بیماری داری

صبر وقتی همسایه مردم ازاری داری

صبر وقتی کارت رو از دست دادی و از کار بیکار شدی

صبر وقتی که روزه ای و تشنه و گرسنه شدی

صبر وقتی دنبال ازدواجی ولی موفق نمیشی

ودهها مورد دیگر...

از جمله عملی که موجب خوشنودی خداست، تقوا و ورع است

قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته

ای مومنین حق تقوا را به جا بیاورید یعنی آنچنان با تقوا باشید که در بالاترین درجه باشید چرا انسان وقتی که یک کمالی را میخواد برای خودش انتخاب کنه به چیزی کمی قانع باشه میفرماید اگر میخوید با تقوا باشید بالاترین درجه اش را انتخاب کنید مفسرین گفتن بالاترین درجه. اینه که هیچ وقت معصیت نکنی هیچ وقت خدا رو فراموش نکنی هیچ وقت خدا رو کفران نکنیم

اینکه اینهمه در قران به تقوا سفارش شده **چون ادم با تقوا طلاست**. چون ادم با تقوا امین است هیچوقت خیانت نمی کند. چشم پاک است. دست پاک است. زبانش از دروغ و از ناسزا و غیبت و... پاک است. قلبش از دغل و کلک و تقلب پاک است. هیچوقت به کسی ظلم نمی کند. همیشه خیرش به دیگران می رسد ولی شری از او به دیگران نمی رسد. خیر خواه دیگران است. واز ناراحتی دیگران ناراحت میشود...

امیر مومنان و امام متقین فرمود: کسی که تقوا دارد در پناهگاه امنی منزل گرفته کسانی که با تقوا هستند از آسیب ها مخصوصا آسیب های شیاطین در امان هستند اما خدای ناکرده کسانی که فاجر هستند فجور می کنند گناه. پناهگاهی ندارند

امامان علیهم السلام همه در راس تقوا بودند و هرگز گناهی از آنها صادر نشد و هرگز با امری از امرهای الهی مخالفت نکردند.

یک حکایت

آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی از علما ایشون یه شب دوران طلبیش می‌گه تو حجره بودم دیدم که در مدرسه علمیه رو زدن و یک خانمی گفت به من پناه بده اگر به من پناه ندید من در معرض آسیب قرار می‌گیرم گفت ایشونو آوردیم تو حجره دیدیم نه به قول حاج آقای رفیعی می‌گفت ادا اطوار داره در میاره گفت دیدم که خب نمی‌شه من و ایشون توی حجره باشیم گفت من از حجره آمدم بیرون. هوا هم سرد بود شب تا صبح تو حیاط کنار درخت تو سرما موندم و حاضر نشدم که برم تو حجره به برکت این به اصطلاح استقامتی که ایشون در مقابل شیطان و نفس اماره انجام داد. یکی از کسانی که در میان هزاران طلبه علم تعبیر خواب و علم استخاره داشت ایشون بود خودشم گفته بود در میان انسان‌ها شاید فقط دو سه نفر این علمو دارند مثلاً بعضی به ما میگن فلانی ما دیشب فلان خوابو دیدیم جواب میدیم ما تعبیر خواب بلد نیستیم ولی ایشون اون یه شب سرما رو تحمل کرد حاضر نشد گناه کنه خدا بهش فوری پاداش داد

عمل کم و باتقوا بهتر از عمل زیاد ولی بی تقوا

یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) به نام مفضل بن عمر می گوید: «خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم، موضوع اعمال مطرح شد، من گفتم: عملم اندک و ضعیف است امام فرمود: خاموش باش و از خدا آمرزش بخواه! سپس فرمود: عمل اندک همراه با تقوا بهتر از عمل بسیاری است که خالی از تقوا باشد. پرسیدم: چگونه؟ فرمود: آری! همانند مردی که به دیگران غذا می دهد، با همسایگانش مدارا می کند، در خانه اش به روی دیگران باز است ولی (با همه این اعمال) چون در کار حرام به رویش باز شود، بدان در آید. این عمل (زیاد) بدون تقواست. اما مرد دیگری هیچ یک از اعمال یاد شده را انجام نمی دهد ولی اگر در برابر حرامی قرار بگیرد، آن را مرتکب نمی شود. (این هم عمل کم (باتقوا!) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۶

اقسام تقوا

امام صادق علیه السلام فرمود: تقوا بر سه گونه است: تقوای بالله و فی الله و آن ترک حلال است چه رسد به شبهه و آن تقوای خواص از خاصان است. و تقوای من الله و آن ترک شبهات است چه رسد به حرام و آن تقوای خواص است و تقوای از ترس آتش دوزخ [و کيفر و آن ترک حرام است فقط] و آن تقوای عوام است.

از امیر مؤمنان علیه السلام **در مورد تقوا پرسش شد**، فرمود: تقوا آن است که اگر عمل تو بر طبقی بدون سرپوش نهاده شود و در نظر اهل دنیا گردش داده شود، چیزی در آن نباشد که از آن شرمنده شوی.

و از امام صادق علیه السلام **از تقوا پرسش شد**، فرمود: تقوا این است که خداوند تو را در هر جا که فرمانت داده غایب نیابد و در هر جا که نهیت نموده حاضر نبیند...

حسن آقای خیاط

در محله سرچشمه کرمانشاه خیاطی بنام حسن اقا بود. طبقه بالای خیاطی زن و شوهری زندگی می کردند که شوهر شب کار بود.

یکشب که شوهر سرکار رفته بود زنش نصف شب حسن اقا رو صدا زد که بیا قولنج گرفته!

حسن هم ساده بود رفت بالا و متکایی دستش گرفت و کمی محل قولنج خانم رو فشار داد. و امد پایین. بعد دقایقی دوباره خانم حسن اقا رو صدا زد و..چندبار که این تکرار شد یکدفعه حسن اقا متوجه نیت شوم زن شد. سریع اثاثش رو جمع کرد و همون شب از انجا فرار کرد و رفت محله ای دیگر ساکن شد.

بعد مدتی مردم متوجه شدند حسن اقا هر دعایی می‌کنه مستجاب میشه. مثلاً فلانی بچه میخواست حسن اقا دعا کرد فوری بچه دار شدند. برایش گوسفند آوردند. دیگری برا مریضش پیش حسن اقا امد ایشان هم برایش دعا کرد مریض خوب شد. برایش روغن حیوانی آوردند و...

اینم پاداش دنیوی حفظ تقوای حسن اقا. پاداش اخروی هم سر جاش محفوظه
انشالله

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خداوند است خوش اخلاقی است

مردی به خدمت پیامبر اکرم(ص) مشرف شد و در مقابل آن حضرت ایستاد و پرسید: یا رسول الله! دین چیست؟ حضرت فرمود: «خوش اخلاقی» پس به جانب راست آن حضرت آمد و دوباره پرسید یا رسول الله! دین چیست؟ حضرت فرمود:

«خوش اخلاقی» پس به جانب چپ آمد و همان سوال را تکرار کرد و همان جواب را شنید، پس در عقب آن حضرت ایستاد و باز همان را پرسید. حضرت به جانب او توجه نمود و به او خطاب کرد که آیا متوجه نمی‌شوی که دین خدا آن باشد که عصبانی نشوی و با خلق خدا با تندی برخورد نکنی؟...

رسول خدا خوش اخلاق ترین مردم بود

نفهمیدم من خادم او بودم یا او خادم من

در مدینه هر کس برای پیامبر هدیه ای می آورد. مادر انس بن مالک آمد و گفت: من چیزی برای پیشکش ندارم اما فرزندی دارم که او را به عنوان خادم شما پیشکش می‌کنم. انس ده سال خادم پیامبر بود، بعد از رحلت رسول اکرم از انس سوال کردند پیامبر را چگونه یافتی؟ گفت مختصر بگویم یا مفصل؟ گفتند: مختصر. انس گفت: رفتار پیامبر در این ده سال چگونه ای بود که نفهمیدم من خادم او بودم یا او خادم من...

وما ارسلناك الا رحمة للعالمين... پیامبر ما مهربان ترین پیامبر بوده است. نسبت به خانواده خود. نسبت به کودکان. نسبت به حیوانات. خیلی مهربان بودند... مهربانی و اخلاق نیکوی پیامبر (ص) در حدی بود که امام صادق (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) نماز ظهر را با جماعت خواند، مردم بسیاری به او اقتدا کردند، ولی آن ها ناگاه دیدند آن حضرت بر خلاف معمول دو رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد (مردم از خود می پرسیدند، به راستی چه حادثه مهمی رخ داده که پیامبر (ص) نمازش را با شتاب تمام کرد؟!) پس از نماز از پیامبر (ص) پرسیدند: «مگر چه شده؟ که شما این گونه نماز را (با حذف مستحبات) به پایان بردی؟» پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «اما سمعتم صراخ الصبی؛ آیا شما صدای گریه کودک را شنیدید؟» معلوم شد که کودکی در چند قدمی محل نماز گزاران گریه می کرده، و کسی نبود که او را آرام کند، صدای گریه او دل مهربان پیامبر (ص) را به درد آورد، از این رو نماز را با شتاب تمام کرد، تا کودک را از آن وضع بیرون آورد، و نوازش نماید.

مهم ترین بیماری های روح انسان که باعث بداخلاقی است و انسان را از خدا دور می کند و موجب غضب خداوند است و باید درمان شود شامل تکبر که

ابلیس را بدبخت کرد و حرص که ادم و حوا را از بهشت اخراج نمود و حسادت
که باعث شد قابیل برادرش هابیل را به قتل برساند می باشد

پس باید این سه بیماری خطرناک را درمان نمود...

اولین گام در درمان تکبر عمل به گفته امام رضا علیه السلام است که فرمود هر که
را دیدی بگو او از من بهتر است...

اولین گام در درمان حسادت آنست که بجای اینکه از موفقیت دیگران ناراحت
باشی و بخواهی که از او گرفته شود، بجایش بگو خدایا به من هم از این موفقیت
!ها و نعمت ها بده

اولین گام در درمان حرص آنست که بدانی تا زمانی که حریص هستی آرامش
نداری و از زندگی لذت نمی ببری ولی آدمی که قناعت دارد آرامش دارد و از
زندگی لذت می برد...

:حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

اخلاق بد مانند سرکه که عسل را از بین می برد ، عمل را فاسد می کند^۵

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۸^۵

آثار خوش اخلاقی: در آثار خوش اخلاقی گفته شد که: باعث ازدیاد روزی، عمران آبادی و طول عمر، از بین بردن گناهان و سنگینی کفه ترازوی حسنات در موقع حساب و بالاخره وسیله ورود در بهشت و جوار رحمت حق خواهد بود، زیرا صاحب خلق نیکو طعمه آتش جهنم نخواهد شد. صاحب خلق حسن نه تنها وارد بهشت می گردد بلکه در بهشت هم از نظر منزل و مأوی از نزدیکترین افراد به پیامبر اسلام (ص) خواهد بود...


انسان بد اخلاق در زندگی دنیوی دچار مشکل میشود همه از او گریزانند و در **عالم بعد از مرگ هم دچار مشکل میشود** و در روایات آمده بد اخلاقی عذاب قبر را نیز به دنبال دارد مانند سعد بن معاذ که شهید شد ولی... سوء خلق باعث تنهائی و غربت انسان است. لذا خداوند سبحان به رسول خدا (ص) می فرماید: اگر تو یک انسان خشن و درشتخو بردی، مردم از اطرافت پراکنده شده و ترا تنها می گذاشتند.. علی (ع) می فرماید: سوء خلق باعث سختی در معیشت و زندگی انسان بوده و سبب عذاب همیشگی اوست!.....

اگر انسان بخواهد به کمال نهائی خویش رسیده و به عذاب الهی در جهنم مبتلا نشده و متنعم به نعمتهای الهی گردد، باید در صدد تهذیب اخلاق و تزکیه نفس

برآید، تا این بدترین قرین را از خود دور کرده و به بهترین قرین حسن خلق
برسد و در نتیجه به سعادت دنیا و آخرت نائل آید. رسول خدا فرمود: بر شما باد
به مکارم اخلاق برای آنکه خداوند مرا برای احیای آن مبعوث کرده
است.....

امام صادق(ع) فرمود: بعد از اینکه بنده اعمال واجب خود را در پیشگاه خداوند
تقدیم کرد هیچ عمل دیگری به اندازه خوش خلقی در نزد خداوند محبوب
نیست

_ کرامتی_ دیگری_ از_ رجبعلی_ خیاط

شبی حوالی غروب از نزدیک مسجدی در اوایل خیابان سیروس تهران عبور  می کردم. برای درک فضیلت نماز اول وقت، وارد شبستان مسجد شدم. دیدم
.شخصی مشغول اقامه نماز است و هاله ای از نور اطراف او را گرفته
پیش خود فکر کردم که بعد از نماز با او مانوس شوم بینم چه خصوصیتی دارد
که چنین حالتی در نماز برای او پدیدار است.

پس از پایان نماز همراه اواز مسجد خارج شدم. نزدیک درب مسجد، وی با خادم مسجد بگو مگویی پیدا کرد و به او پر خاش کرد و به راه خود ادامه داد.

✨ پس از عصبانیت، دیدم آن هاله نور از روی سرش محو شد

چشمه سار معرفت ص 118، 117

خوش اخلاقی یک مسلمان مصری باعث اسلام آوردن یک دانشمند و فیلسوف
...آلمانی شد

آندریاس کامز فیلسوفی آلمانی

آندریاس کامز، فیلسوفی آلمانی است که پس از برخورد تحسین برانگیزی که
یک فرد مسلمان با او داشت تصمیم می گیرد، مسلمان شود

اندکی در مورد علت مسلمان شدنش

داستان از این قرار است که آندریاس کامز، فیلسوف آلمانی 6 سال پیش طی سفر کوتاهی که به مصر داشت با یک جوان مصری آشنا می شود و اخلاق و رفتار این جوان مصری به حدی وی را تحت تاثیر قرار می دهد که این فیلسوف تصمیم می گیرد مسلمان شود.

ماجرای آشنایی آندریاس و این جوان مصری که حسن نام دارد وقتی آغاز می شود که آندریاس هنگام حضور در یکی از مساجد مصر از حسن که در حال نماز خواندن بود، عکس می گیرد و سپس از او به دلیل این اقدامش عذر می خواهد، اما حسن با لبخند به او می گوید: «خوشحالم از اینکه خدایم را عبادت می کنم».

و اینچنین صحبت های این دو آغاز می شود و آندریاس به حسن می گوید: «تو چطور می توانی با من دوست شوی درحالیکه من مسلمان نیستم» و حسن در

پاسخش می گوید: «تو یکی از بندگان خدا هستی و من موظفم با تو بهترین رفتار
»را داشته باشم


آندریاس و حسن با هم دوست می شوند و روز به روز او بیشتر جذب رفتار و
منش حسن می شود و با چشمان خود می بیند که حسن برای خوشحالی مردم از
هیچ کمکی به آنها دریغ نمی کند و او نیز علاقمند می شود که همانند حسن
شود.


دوسال از دوستی این دو گذشته بود که آندریاک از حسن می خواهد که به او
کمک کند تا در مورد اسلام بیشتر بداند و زبان عربی و قرآن را یاد بگیرد، حسن
نیز در این مورد به او کمک می کند

آندریاس با جمع آوری اطلاعات در مورد اسلام متوجه می شود که پیام اسلام به
جهانیان گسترش محبت و عشق است و به اعتقاد او این زیباترین پیامی بود که
یک دین می توانست برای پیروانش داشته باشد و اینگونه شد که او تصمیم
. گرفت با کمک دوستش حسن مسلمان شود و شهادتین را بر زبان جاری سازد

وی پس از مسلمان شدن کشور مصر را برای زندگی کردن انتخاب کرد، چرا که
مایل بود زیباترین لحظات زندگی را در میان دوستان مسلمانش سپری کند.

:امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

خودتان را بر خوش اخلاقی تمرین و ریاضت دهید. زیرا که بنده مسلمان با 
خوش اخلاقی خود به درجه روزه گیرِ شب زنده دار می رسد.

تحف العقول 

(چهره خنده رو)

حضرت عیسی و حضرت یحیی (علیهما السلام) از پیامبرانی بودند که در زهد و
پارسائی و خوف خدا دو مثال تاریخ می باشند، (با توجه به این که بیابانگردی و

دوری از اجتماع رهبانیت و عبادت در گوشه ها و... در آن عصر جزء دستورات
دینی بوده است)

روزی این دو پیامبر در جائی به هم رسیدند حضرت یحیی دید که حضرت
عیسی خنده بر لب دارد و مسرور است، گفت: از چیست که تو را به صورت
!افراد غافل می بینم؟! گویا از عذاب الهی ایمن می باشی؟

حضرت عیسی (ع) در پاسخ فرمود: از چیست که تو را گرفته خاطر و ناراحت
!می بینم؟! گویا از رحمت خدا نا امید می باشی؟

بر سر این موضوع به گفتگو پرداختند، و گفتگوشان به جایی نرسید، (که آیا حق
با عیسی است یا با یحیی)، بنا گذاشتند که منتظر وحی الهی شوند تا خداوند معما
را حل کند.

خداوند به آنها وحی کرد: «محبوبترین شخص از میان شما دو نفر نزد من، کسی
»است که خنده رو باشد و حسن ظنش به من بیشتر است

به این ترتیب می بینیم که یکی از صفات نیک اخلاقی، داشتن چهره بشاش به
عبارت دیگر گشاده روئی بودن است

پیامبر اعظم فرمود: پیامبر قسم خورد که فقط افراد رحیم و مهربان وارد بهشت می شوند. وقتی اصحاب ادعا کردند همه ما مهربان هستیم! فرمود تا نسبت به عموم مردم مهربان نباشید، رحیم نیستید.

پیامبر گرامی (ص) می فرماید: هر که مومنی را غمگین کند، آن گاه دنیا را به او بدهد، این بخشش کفاه عمل او نخواهد بود و برای او پاداشی به دنبال نخواهد داشت.

امام صادق (ع) می فرماید: اگر شما دلی را شکستید نمی توانید جبران آن دل شکستگی را بکنید اگر همه ی دنیا را به او بدهید.

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خدا میشود رفع مشکل مردم است

در روایتی قدسی، در بیان خداوند چنین آمده است:

الْخَلْقِ عِيَالِي، فَاحْبُبْهُمْ إِلَى الطَّفْهِمْ بِهِمْ وَاسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ

مردم عایله و جیره خواران من اند، محبوب ترین آنها نزد من کسی است که به عایله ام مهربان تر و در بر آوردن نیازمندیهایشان کوشا تر باشد....

پیامبر (ص) فرمود:

((خیرالناس من ینفع الناس و شر الناس من یضر الناس))

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند...

در حدیث نبوی است که اگر مشکل مومنی را حل کنی ثوابش معادل 9 هزار سال عبادت است

راهکار خوشحالی در قیامت چهار خصلت است:

بر در رب دوم بهشت نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله. ان لكل
شيء حيلة وحيلة السرور يوم القيامة اربع خصال. مسح رؤوس اليتامى والتعطف على
الارملة والسعي في حوائج المؤمنين والنفقة للفقراء والمساكين. برای هر کاری
چاره‌ای است و چاره خوشحالی روز قیامت **چهار خصلت** است. کشیدن دست
مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. چهارم صدقه
به فقرا و بیچارگان...

عنایت امام زمان علیه السلام به مرحوم کافی

شب‌ی خواب بودم که نیمه‌های شب صدای در خانه ام بلند شد از پنجره طبقه دوم
از مردی که آمده بود به در خانه ام پرسیدم که چه می‌خواهد؛ گفت که فردا
.چکی دارد و آبرویش در خطر است. می‌خواست کمکش کنم
لباس مناسب پوشیدم و به سمت در خانه رفتم، در حین پایین آمدن از پله‌ها فقط
در ذهن خودم گفتم: با خودت چکار کردی حاج احمد؟ نه آسایش داری و نه
.خواب و خوراک؛ همین

رفتم با روی خوش با آن مرد حرف زدم و کارش را هم راه انداختم و آمدم خوابیدم. همان شب حضرت حجه بن الحسن (عج) را خواب دیدم فرمود: شیخ احمد حالا دیگر غر میزنی؛ اگر ناراحتی حواله کنیم مردم بروند سراغ شخص دیگری؟

آنجا بود که فهمیدم که راه انداختن کار مردم و کار خیر، لطف و محبت و عنایتی است که خداوند و حضرت حجت (عج) به من دارند...

آیت العظمی بروجردی که متوفای ۱۳۴۰ هستند خودشان می فرمودند بروجرد که بودم یک شب خوابی دیدم در مجلسی با حضور پیامبر گرامی اسلام و علمای تراز اول و نمره یک ها که درجه اول بودند نیز حضور داشتند اما نزدیک ترین فرد به ایشان آقاسید جواد بروجردی است ایشان جد سوم آیت الله العظمی بروجردی نشسته اند

عزیزانی که بروجرد هستند یا رفته اند قبر ایشان اکنون محل زیارت مردم است بروجردی ها خیلی به ایشان اعتقاد دارند کنار قبر ایشان نذر می کنند و زیارت می کنند

اگر گذرتان به بروجرد افتاد قبرش معروف است (جد سوم آیت الله بروجردی !
(

ایشان می گوید دیدم ایشان نشسته بغل منبر

ایشان بلحاظ علمی خیلی یک نبود و در آن جلسه علما درجه یک هم بودند که
از لحاظ علمی از ایشان بالاتر بودند آقای بروجردی می فرماید در خواب به خود
گفتم چه شده که نزدیک ترین فرد به پیغمبر فلانی است و دیگران وسط نشسته
اند یا گوشه نشسته اند خود رسول الله صل الله علیه و آله متوجه من شدند و
فرمودند ایشان به دنبال کار خیر می دوید نمی نشست خیر به دنبالش بیاید
بعضی منتظرند مثلا به ایشان بگویند این جهاز دختر است کمک کن می گوید (
باشه

اما یک کسی وقت راه میفته می گوید کی جهاز دختر می خواد ؟

منبر استاد رفیعی

شب شش صفر ۱۳۹۳

هیئت رزمندگان اسلام

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر کس یک نیاز برادر مومن خود را بر آورد، مانند کسی است که عمر خویش را به عبادت خدا سپری کرده باشد

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: کسی که در راه بر آوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد

محمد بن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش به امام ششم (ع) عرض کرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و مطیع: شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید: امام ششم (ع) نوشت

((بسم الله الرحمن الرحيم سرّ اخاك يسرك الله))

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید

پس نامه را ببندد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند و چون مجلس

خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام

صادق (ع) است. نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت

حاجت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر گردن

من است نجاشی گفت چه مقدار؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی دفتر دارش را

خواست و دستور داد از حساب خود او پردازد و

سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده بنویسد.

پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس است و کنیز و نوکری به

او داد و همچنین یکدست لباس پس گفت فرش این

اطاق که روی آن نشیبه تودند را نیز به او دادند. مرد فرش و هدایا را برداشته و به

خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را

گفت حضرت از دفاتر نجاشی مسرور شد آن مر گفت مثل اینکه برخوردار نجاشی

شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا خدا و

پیامبرش را هم شاد کرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام در حال اعتکاف بود شخصی از امام خواست نزد

طلبکار او برود و مهلت بگیرد امام هم از مسجد خارج شد. ابن عباس عرض

کرد فراموش کرده اید در حال اعتکاف هستید؟ امام فرمود نه فراموش نکرده ام

ولیکن از پیامبر اکرم شنیدم ثواب برآورده کردن حاجت مومن نه هزار سال عبادت است که روزها روزه بگیرد و شبها نماز بخواند

:نفاق گناهان بزرگ را نابود می کند

امام پنجم (ع) فرمود: عابدی هشتاد سال عبادت کرد ولی بر اثر تماس با نامحرم زنا کرد. موقع مرگ زبانش لال شد در همان حال فقیری نزد او آمد و عابد به او نانی داد. بعد از مردن به او گفتند بخاطر زنا همه اعمال باطل گردید ولی بخاطر صدقه خدا تو را عفو نمود.

دو تا نان دادی دو تا بچه گرفتی

روزی دو تن از فرزندان خردسال مرحوم آقا جان آیت الله کوهستانی (ره) به [?] حمام رفته بودند، چون هوا سرد بود مادرشان برای گرم کردن فضای سرد حمام مقداری زغال آتش کرد

منقل را داخل حمام برد و خود برای رسیدگی به کارهای منزل آنان را تنها [?] گذاشت. چون زغال ها کاملا آتش نگرفته بود گاز زغال هر دوی آنان را بی هوش کرد؛ به طوری که صدای آنان در اثر خفگی در سینه حبس شده بود و نمی توانستند از کسی کمک بخواهند.

در این حال که آیت الله کوهستانی (ره) به طور اتفاقی نزدیک حمام رفته بود [?] متوجه گردید که صدای ضعیفی از داخل حمام می آید بی درنگ در حمام را باز کرد دید که هر دو فرزندش بی حال داخل حمام افتاده اند

فورا هر دو را بیرون آوردند و مقداری آب به صورتشان پاشیدند تا این که به [?] هوش آمدند و از مرگ حتمی نجات پیدا کردند.

معظم له نجات یافتن دو فرزندش را بدون حکمت نمی یافت، از این رو در [?] جست و جوی حکمت آن برآمد و از مادرشان پرسید: شما امروز چه کاری انجام دادید؟ مادر گفت

کار ویژه ای نکرده ایم جز این که اول صبح دو تن از طلبه ها برای نان مراجعه [?] کرده بودند که به هر کدام، یک قرص نام دادم. آقا متوجه جریان گردید و فرمود: دو تا نان دادی و دو تا بچه گرفتی

!جسم نورانی

رسول خدا(ص): هنگامیکه مؤمن از قبر محشور می شود، هیكلی شبیه خودش، جلو او قدم می گذارد و هر کجا مؤمن دچار ترس و هراس های قیامت می شود، آن هیكل به او دلداری می دهد و می گوید: نترس

و ناراحت نباش! و بشارت باد بر تو به خوشحالی و کرامت خدا! تا اینکه

مؤمن حساب آسانی پس می دهد و امر به رفتن به بهشت می شود و در تمام این مراحل او با این شخص است. وقتی مؤمن می خواهد داخل بهشت شود، به آن هیكل می گوید: تو خوب شخصی هستی که همراهم از قبر خارج شدی و به من بشارت دادی تا اینکه براحتی به بهشت رسیدم. تو کیستی؟ می گوید: من همان شادی هستم که در دنیا، در دل برادر مؤمن وارد نمودی! خدا مرا خلق کرد تا بتو آرامش و بشارت بدهم

کمک به نیازمندان در سیره شهید سید احمد هاشمی

رفته بودیم مسجد بی سر تکیه. فرد مستحقی هم به مسجد آمده بود و درخواست کمک داشت. احمد در گوشه حیاط مرا به کناری کشید. گفت: دست کن داخل جیبم و هر چه پول هست، بدون اینکه بشماری به آن فقیر بده. وقتی هم که می خواستم مدارکش را از لای پول ها بردارم، اعتراض می کرد: مگر نگفتم نگاه نکن.

وقتی از مسجد خارج شدیم، گفت: جنگیدن با دشمن جهاد اصغر است و آسان؛ اما جهاد با نفس است که جهاد اکبر است و واقعا سخت است.

راوی: حمید رجب نسب

امام باقر(ع) می فرماید: خود را به کار نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید تا به همین نشانه و علامت شناخته شوید. من فرزندان و شیعیانم را به این برنامه فرمان (می دهم). (بحار الانوار ج 46 ص 243 به نقل از خرائج راوندی)

سخاوت داشتن موجب رضایت خداست

یکی از راههایی رسیدن به خدا، سخاوت و بخشندگی است اگر اهل عبادت نیستید از راه بخشش به خدا برسید. پیامبر (ص) فرمود: سخاوتمند به خدا و بهشت

و مردم نزدیک است و از آتش دور می باشد و بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و جاهل بخشنده بهتراست نزد خدا از عابد بخیل

:همچنین حضرت رسول (ص) فرمود

((الجنة دار الاسخياء))

درباره حضرت ابراهیم(ع) گفته اند که روزها روزه داشته و برای افطار گوساله ای را ذبح نموده و طعام می کرد و وقت افطار در ب خانه منتظر مهمان می شد و تا مهمان بر او وارد نمی شد افطار نمی فرمود. همچنین در باب پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است که: شخص عربی پیش پیامبر آمده و ردای حضرت را گرفته و کشید بطوریکه اثر کشیدن ردا بر گردن حضرت نمودار شود. سپس به حضرت گفت: یا محمد به من از اموال خدا که در نزد توست بده پس حضرت به او نگاه کرده و تبسم نموده و دستور دادند که به او مالی بدهند. علی (ع) درباره سخاوت پیامبر اسلام(ص) فرمود: رسول خدا کریمترین مردم در دادن مال بود پیامبر (ص) فرمود: **مردم چهار صنفند سخی ، کریم ، بخیل و لئیم .** اما سخی آنست که بخورد و اعطا کند و کریم آنست که نخورد و ببخشد و بخیل آنست . که بخورد و نبخشد و لئیم آنست که نخورد و نبخشد

بخشنده و سخاوتمند باشید

ادم خوبه سخاوت داشته باشد. بخیل و خسیس نباشد

ادمای سخاوتمند پیش مردم احترام دارند و ادمای خسیس و بخیل برعکس حتی

!گاهی خانواده اش ارزوی مرگش را دارند

سوره هل اتی در پی بخشندگی اهل بیت نازل شد

همچنین در پی بخشش انگشتر علی علیه السلام در حال رکوع، خداوند در سوره

مائده ایه ولایت را نازل کرد

در روایت است که حاتم طائی که در جاهلیت زندگی می کرد و خیلی بخشنده

بود در قیامت چون کافر بوده جهنم میره ولی خدا به اتش میگه بترسونش ولی

نسوزونش

:رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود

.سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است

پیامبر (ص) فرمود: سخاوتمند به خدا و بهشت و مردم نزدیک است و از آتش دور می باشد و بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و جاهل بخشنده بهتر است نزد خدا از عابد بخیل.

مرد نباید خسیس باشد و به خانواده اش سخت بگیرد.

خانمی می گفت من رو به کمیته امداد معرفی کنید. گفتم شوهر داری؟ گفت بله و بازاری هست ولی پول برای درمان من نمی دهد.

یا دختر خانمی می گفت با اینکه پدرم پول زیادی در بانک دارد ولی برای رفع مشکلات خانواده خرج نمی کند.

و هزاران مورد از خانم هایی که از خساست شوهرانشان شکایت دارند.

اسلام توصیه کرده باندازه درآمدی که داری خرج کن چه برا خانواده چه در راه خیر. و هشدار داده که انهایی که ثروت را ذخیره می کنند همین ثروت برایشان عذاب می شود.

آیت الله بروجردی، از نظر سخاوت و بخشش بسیار بلندنظر بودند و در مواقع حساس به فریاد مردم مستمند می رسیدند. از عجائب سخاوت ایشان این بود که

اگر پولی از دست ایشان به دست کسی می افتاد، هر چند اشتباهی بود، پس نمی گرفت از جمله نقل است: هنگامی که در بروجرد زندگی می کردند، بخشی از املاک خود را برای کاری فروخته بودند، در این موقع، شخصی نیازمند به ایشان مراجعه می کند. ایشان مبلغی را که در پاکتی گذاشته بودند که به آن نیازمند می دهند، گویا وکیل خرج ایشان، اشتباهاً به جای این پاکت، آن پاکت را که همه پول ملک در آن بود به نیازمند داده بودند! مرد نیازمند متوجه شده و پول را برمی گرداند، ولی ایشان قبول نمی کنند و می گویند پولی که داده ام پس نمی گیرم! به اهلش رسیده! (مجله حوزه، ش ۴۳، مزایا و خصائص اخلاقی آیت الله بروجردی)

در یکی از جنگ ها که همه با حریف خود سرگرم مبارزه بودند، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با مشرکی درگیر شد و مبارزه ادامه پیدا کرد که ناگاه شمشیر دشمن شکست، و او از اخلاقیات امام علی علیه السلام اطلاع داشت، فوراً گفت: ای علی شمشیرت را به من بده. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمشیری را به سوی او انداخت، دشمن شگفت زده شد، و گفت: در چنین موقعیت خطرناک شمشیر به دشمنت می بخشی؟ امام علی علیه السلام پاسخ

داد: تو دست تقاضا به سوی من دراز کردی، و رد کردن درخواست دور از شیوه
گرم و بخشنده‌گی است. مرد مشرک از اسب پیاده شد و گفت: این روش اهل
دیانت است، و پای مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بوسید و
[مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 87

شهید حجه الاسلام ملکی از اسلام اباد غرب

همسر ایشان می گفت معمولا نصف حقوق ایشان غیب می شد. اما بعد شهادت
ایشان، خانواده هایی نیازمند آمدند گفتند ایشان هرماه به ما کمک می کرده است.
معلوم شد ایشان نصف حقوق خود را به فقرا می داده است

شهید سامان کرمی و کمک به نیازمندان

خانواده شهید گفتند ایشان حقوق که می گرفت مقداری از آن را به خواهران
خود و مقداری را به نیازمندان می داد

روزی امام علی علیه السلام را غمگین یافتند. علت را جویا شدند. فرمود: چون هفت روز است که مهمانی بر ما وارد نشده است.

:متن حدیث

الإمامُ عليُّ عليه السلام - لَمَّا رُئِيَ حَزِينًا فَسُئِلَ عَنْ عِلَّتِهِ - لَسَبِعِ أَتَتْ لَمْ يَضِيفَ إِلَيْنَا .
ضَيْفٌ

بحار الانوار، جلد ۱، صفحه ۲۸"

شهید ابراهیم هادی و بخشش... او آخر مجروحیت ابراهیم بود که یک روز ظهر زنگ زد و بعد از سلام و احوالپرسی گفت: "سید، ماشینت رو امروز استفاده می کنی؟"

گفتم: "نه، همینطور جلوی خونه افتاده"، بعد هم اومد و ماشین رو گرفت و گفت:
"تا عصر بر می گردونم".

عصر بود که ماشین رو آورد. پرسیدم: “کجا می خواستی بری؟” گفت: “هیچی،
”مسافر کشی می کردم

”با خنده گفتم: “شوخی می کنی؟

. ”گفت: “نه، حالا هم اگه کاری نداری پاشو بریم یکی دو جا کار داریم

می خواستم برم داخل خونه که آماده بشم، گفت: “اگر چیزی هم تو خونه داری
.” که استفاده نمی کنی مثل برنج و روغن بیار که برای چند نفر احتیاج داریم

رفتم مقداری برنج و روغن آوردم، بعد هم رفتیم جلوی یک فروشگاه، ابراهیم
مقداری گوشت و مرغ و... خرید و آمد سوار شد. از پول خُردهائی که به
فروشنده می داد فهمیدم همان پول های مسافر کشی باید باشد. بعد با هم رفتیم

جنوب شهر و به خانه چند نفر سر زدیم. من اونها را نمی شناختم. وقتی در

خونه ای می رفت و وسائل رو تحویل می داد می گفت: “ما از جبهه اومدیم و اینها
هم سهمیه شماست!”، ابراهیم طوری حرف می زد که طرف مقابل اصلاً احساس
. شرمندگی نکنه و اصلاً خودش رو هم مطرح نمی کرد

بعدها فهمیدم خانه هائی که رفتیم منزل چند تا از بچه های رزمنده بود که مرد

خانواده در جبهه حضور داشته و برای همین به آنها رسیدگی می کرد

سخاوت حاتم طایی

حاتم مکانی ساخته بود که هفتاد در داشت. هر کس از هر دری که می خواست وارد می شد و از او چیزی طلب می کرد و حاتم به او عطا می کرد.

وقتی که حاتم طایی از دنیا رفت، برادرش خواست جای او را بگیرد. برادرش خواست در آن مکان بنشیند و حاتم بخشی کند

مادرش گفت: تو نمی توانی جای برادرت را بگیری، بیهوده خود را به زحمت
!! مینداز

برادر حاتم توجه نکرد. مادرش برای اثبات حرفش، لباس کهنه ای پوشید و به طور ناشناس نزد پسرش آمد و چیزی خواست.

پیشنهاد ویژه

تبلیغات در بیتوتهکسب و کار شما در بیتوته اینگونه دیده میشود! سفر و گردش، آژانس مسافرتی، تورها و جاذبه های گردشگری میخوای بری دبی؟ اینجا تفریحات دبی رو با 50٪ تخفیف بگیر بلیط هواپیما جای تو در حرم امام رضا! خالیه، همین حالا سفر رو قطعی کن

وقتی گرفت از در دیگری رجوع کرد و باز چیزی خواست. برادر حاتم با اکراه به او چیزی داد.

چون مادرش این بار از در سوم باز آمد و چیزی طلب کرد، برادر حاتم با
عصبانیت و فریاد گفت: تودوبار گرفتی و باز هم می خواهی؟ عجب گدای
!پررویی هستی

مادرش چهره خود را آشکار کرد و گفت: نگفتم تو لایق این کار نیستی؟ من
یک روز هفتاد بار از برادرت به همین شکل چیزی خواستم و او هر بار مرارد
نکرد.

در زمان های قدیم فرمانده ای قوی مهربان و بخشنده زندگی می کرد. هر کس
نیاز به کمک داشت او پیش تر از همه آماده بود

این فرمانده در زمان حاتم طایی زندگی می کرد. او دوست داشت در بخشندگی
از حاتم طایی هم مشهورتر شود

بخشندگی فرمانده روز به روز بیشتر می شد. او مثل باران بخشنده بود اما هیچ
کس پیش او جرات نمی کرد اسم حاتم طایی را بیاورد

او می خواست فقط حرف از سخاوت او در بین مردم باشد. روزی فرمانده جشن
بزرگی گرفت و همه ی بزرگان یمن را دعوت کرد تا به همه نشان دهد که
بخشنده ترین انسان روی زمین است. اما هر چه کرد نتوانست به مردم ثابت کند
... که از حاتم طایی بخشنده تر است. بنابراین تصمیم خطرناکی گرفت

سخاوت حاتم طایی

روزی حاتم طایی در صحرا عبور می کرد، درویشی راه بر او گرفت و از وی ده هزار دینار کمک بلاعوض خواست. حاتم گفت: ده هزار دینار بسیار خواستی، درویش گفت: یک دینار بده

حاتم گفت: آن زیاده طلبی چه بود و این کم خواستن از چه سبب است؟

درویش گفت: از شخصی چون تو کمتر از ده هزار دینار نباید درخواست کرد و !! به چون تویی کمتر از این مبلغ نمی توان بخشید

حاتم دستور داد ده هزار دینار درخواستی درویش را به او پرداخت کردند.

بخشیدن کفش های عید به نیازمندان در سیره نوجوانی شهید علی چیت سازیان عید نوروز ۱۲ سالگی اش بود. پدر علی برایش یک جفت کفش نو خریده بود. روز دوم فروردین بود که می خواستیم برویم عید دیدنی. خانواده شال و کلاه کرده بودند که علی غیث زد

نیم ساعت بعد خوشحال تر از قبل با یک جفت دمپایی پاره جلوی همه ظاهر شد.

گفتم کفش هایت کو؟

داده بود به پسر سرایدار مدرسه

می گفت: بچه سرایدار مدرسه کفش نداشت. زمستان را هم با این دمپایی ها سر کرده بود.

راوی: منصوره الطافی؛ مادر شهید

کتاب دلیل؛ روایت حماسه نابغه اطلاعات عملیات سردار شهید علی چیت
سازیان، نویسنده: حمید حسام، ناشر: سوره مهر، تاریخ چاپ: ۱۳۹۶- چاپ دوم
(اول ناشر)؛ صفحه ۲۴

رسول خدا (ص) ملک و املاکی ذخیره نداشت و آنچه را که از سهم غنائم به او
می‌رسید به همراه آنچه که از غذایش اضافه می‌آمد، ملک و املاک می‌خرید و
صدقه می‌داد. و باغ‌هایی خرید و صدقه داد که تا به امروز، معروفند. عطا و دهش
او به گونه‌ای بود که هرگز از تنگدستی، نمی‌هراسید و آن چنان به نیازمندان
کمک می‌کرد که سابقه نداشت. ابن عباس می‌گوید: «پیامبر
(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از همه کس بخشنده‌تر بود و در ماه رمضان، از نسیم
وزان هم بخشنده‌تر می‌شد.» همچون باد تند و سریع، هر چه داشت، انفاق
می‌کرد تا اینکه ماه تمام می‌شد.

هرگز در جواب کسی که از او چیزی می‌خواست، نه نمی‌گفت؛ هر که با او
همنشین می‌شد، خواسته‌ای نداشت؛ مگر اینکه برآورده می‌شد و در خواستی
نداشت مگر اینکه انجام می‌شد. انس بن مالک (خادم حضرت) می‌گفت:
«حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چیزی از اموال را ذخیره نمی‌کرد و همه را به

دیگران انفاق می کرد.» بذل و بخشش هایش را پایانی نبود، مسلمان و غیر مسلمان، همه از مرحمت هایش بهره مند بودند؛ حماد بن سلمه از انس بن مالک (خادم حضرت) نقل کرد که مردی از حضرت، گوسفندانش را طلب کرد، حضرت هم، همه آنها را به او بخشید، پس او میان قومش رفت و گفت: «ای مردم اسلام بیاورید، بخدا که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، عطا می کند به حدی که از فقر» نمی ترسد

نقل شده زنی بدست خود لباس یا عبایی دوخته بود و بر آن حاشیه زده تزیین کرده بود و آن را تقدیم حضرت کرده بود، حضرت عبا را گرفت در حالی که برای پوشش خود به شدت بدان نیاز داشت، در این هنگام مردی از اصحاب جلو آمد و گفت: «چه لباس زیبایی؛ آن را به من می دهید تا بپوشم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بله؛ حضرت لباس را تا کرده، مرتب کردند و» آن را به آن مرد بخشیدند

امام حسن مجتبی (ع) کریم اهل بیت

بخاطر بخشندگی فراوان ان حضرت که به کریم اهل بیت ملقب شدند

سفره های غذای آن حضرت همیشه گسترده بود تا هر کسی که دوست داشت
بر سر سفره بخشش امام حاضر شود مخصوصا مسافرین و افراد غریبی که به کوفه
وارد می شدند.

.....

ابی عتیق به دنبال آن حضرت راه افتاد، حضرت با تبسم به او فرمود: حاجتی -2
داری؟ عرض کرد بله، از اسبت خوشم آمده است. حضرت از اسب پایین آمد و
آن را به او بخشید...

عربی نزد امام حسن علیه السلام رفت ولی قبل از اینکه درخواست خود را بگوید
، امام علیه السلام دستور داد هر چه پول در خانه بود ، آوردند . مبلغ بیست هزار
درهم پول بود که همه را به آن شخص بخشیدند! او گفت : مولایم !

چرا نگذاشتید که ابتدا مدح و ثنای شما را بگویم و تقاضای خود را مطرح کنم ؟
فرمود : ما خاندانی هستیم که قبل از اینکه فقیر آبرویش ریخته شود ، به او کمک
می کنیم

از جمله چیزهایی که باعث خوشنودی خدا میشه داشتن غیرت است
یکی از صفات جمال خداوند غیور بودن خدا هست که افراد پاکدامن و باغیرت
را دوست دارد و با افراد بی غیرت و فاسد دشمن است که فرمود

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

خدا توبه کنندگان و پاک کنندگان روح را دوست می دارد.

پیامبر اسلام (ص) غیرت را جزء ایمان دانسته و می فرماید: «ان الغیره من الایمان
وَالْمِدَاءُ مِنَ النِّفَاقِ

غیرت از ایمان است و بی بند و باری از نفاق

حضرت امام علی (ع) می فرماید: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. و
نیز فرمود: کسی که غیرت ندارد قلبش واژگون و سیاه است

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: ان الله غیور یحب کل غیور و من غیرته حرم
الفواحش

خداوند غیور است و افراد باغیرت را دوست دارد. و از غیرتش هست که همه
چیزهای بد و فاحشه را حرام نموده است

پیامبر (ص) فرمود: كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (ع) غَيُورًا وَ أَنَا أُغَيِّرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا
يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پدرم ابراهیم باغیرت بود و من از او غیرت مند ترم و هر مؤمنی که با غیرت
نباشد، خداوند بینی او را به خاک می مالد. (یعنی او را خوار و ذلیل می کند)

از نظر قرآن همان گونه که انسان باید نسبت به حریم حرمت های دیگران محفوظ
به حیا و عفت باشد و متعرض نوامیس دیگران نشود، هم چنین باید نسبت به

نوامیس خویش نیز مراقبت داشته و به صیانت و دفاع از آن پرداخته و غیرت ورزد.

غیرت ورزی امام علی (ع) نسبت به دخترش زینب (س)

در سنت و سیره آن حضرت نیز غیرت ورزی به نمایش گذاشته شده است.

یحیی مازنی می گوید: من مدت زیادی همسایه حضرت علی (ع) بودم و (منزل ما) نزدیک خانه‌ای بود که حضرت زینب در آن ساکن بود. به خدا قسم در این مدت نه من زینب را (بیرون) دیدم و نه صدایش را (از داخل خانه) شنیدم. او هر وقت می خواست به زیارت قبر شریف جدش رسول خدا (ص) مشرف شود شبانه از منزل خارج می شد در حالی که امام حسن (ع) در طرف راست او و امام حسین (ع) در طرف چپش و امیر المؤمنین (ع) در جلو او حرکت می کردند؛ و هنگامی که حضرت زینب به قبر شریف رسول خدا (ص) نزدیک می شد حضرت علی (ع) جلوتر می رفت و نور چراغی را که بالای سر پیامبر (ص) بود کمتر می کرد. یک مرتبه امام حسن (ع) علت این کار را از آن حضرت سؤال کرد، حضرت علی (ع) در جواب فرمود: می ترسم (کسی زیارت آمده باشد) و به خواهرت زینب نگاه کند.

علی بن ابراهیم در تفسیرش می گوید: وقتی حضرت موسی (ع) خواست با دختر شعیب به طرف منزل حضرت شعیب (ع) برود دختر حضرت شعیب در جلو حضرت موسی به راه افتاد. در اثر وزش باد، لباس به بدن وی می چسبید و حجم بدن آشکار می شد. حضرت موسی به او گفت: تو در پشت سر من راه بیا و به وسیله سنگ راه را به من نشان بده، چون ما از قومی هستیم که به پشت سر زنان نگاه نمی کنیم. حضرت شعیب به دخترش گفت: چگونه دانستی که او امانتدار است؟ دختر در جواب پدرش گفت: او در میان راه از من خواست تا پشت سر او حرکت کنم و پیش رویش راه نروم.

ابن عباس می گوید: حضرت موسی (ع) مرد غیرتمندی بود و به سبب همین با مردان در خانه اش رفت و آمد نمی کرد تا همسرش دیده نشود.

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد برای هر قدمی که این زن بر می دارد برای شوهرش خانه ای در جهنم بنا می شود.

رسول خدا (ص) فرمودند: خداوند هفت نفر را لعنت کردند که یکی از آنها مردی است که نسبت به پوشش و عفت همسرش بی توجه است.

امام رضا(ع) درباره علت حجاب فرمود: حرام شد نگاه به موهای زنان برای آنکه اگر موهای آنها در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک و جلب خواهد شد. (و این جلب شدن مردان به زنان) فساد و بی بند و باری را به دنبال دارد و سبب می شود که (مردم) در کارهای حرام وارد بشوند.

رسول خدا(ص) فرمودند: هر زنی که خود را معطر سازد و از منزل خارج شود و از کنار گروهی بگذرد تا بوی او را دریابند وی زناکار است و هر چشمی که این زن را ببیند زنا کار است. (سنن نسائی: ج 8 ص 153؛ کنزالاعمال: ج 16 ص 383 شماره 45010). همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را قبول نمی کند، تا اینکه برای پاک ساختن خود از آن، غسل کند چنانکه خود را از جنابت، غسل می دهد. (کافی: ج 5، ص 50) رسول خدا (ص) فرمودند: وقتی زنی برای غیر از شوهرش خود را خوشبو کند، مایه آتش جهنم و باعث ننگ است.

با پژوهشی در دین اسلام در می یابیم که خداوند متعال از انسان های غیور راضی است و آنها را دوست دارد و برعکس افراد بی غیرت را از رحمت خود محروم کرده و بهشت را بر آنها حرام کرده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر مردی که زنش زینت کرده و بیرون رود، دیوث است! همچنین اگر زن با زینت و عطر زده بیرون برود و شوهرش راضی باشد، هر «قدمی که زن برمی دارد، برای شوهرش یک خانه در جهنم ساخته می شود».

امام علی (ع) خطاب به اهل بصره فرموده است: آیا حیا نمی کنید؟ آیا غیرت ندارید؟ در حالی که زنان شما به بازارها می روند و جوانان خوش قیافه مزاحم «آنان می شوند».

امام علی (ع) همچنین فرموده است: هر که مطیع زنش باشد، خدا او را با صورت در آتش می اندازد، سؤال شد: در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود: زن درخواست می کند که به حمام و عروسی و مجالس عزا برود و لباس نازک به تن نماید، «شوهرش هم قبول می کند».

بی غیرتی و عوامل به وجود آورنده آن

غیرت، صفتی لازم برای حفظ و حراست از کیان خانواده است اسلام مدلی از روابط میان محرم و نامحرم را طراحی کرده که به صلاح زندگی است و آن را از آفات جدی حفاظت می کند لذا مؤمن باید غیور باشد و نسبت به این مرزها حساس باشد. به نظر می رسد یکی از دلایل ناهنجاری های امروز بی غیرتی مردان ..است

پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه به مشام می‌رسد ولی به مشام عاق والدین و دیوث نمی‌رسد، پرسیدند که دیوث کیست؟ فرمود: آن که می‌بیند با زنش زنا می‌کنند ولی ناراحت نمی‌شود.

امام علی (ع) می‌فرماید: هرگز یک انسان شریف و غیور زنا نمی‌کند و نیز می‌فرماید: ارزش هر کس به اندازه همت او و صداقت هر کس به اندازه شخصیت او و شجاعت هر کس به اندازه زهد و بی‌اعتنایی او به ارزش‌های مادی و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.

رفت و آمد در مجالس فساد و فحشاء، استفاده از موسیقی‌های مبتذل و حرام، دیدن فیلم‌های زشت و مستهجن و غریب‌زگی و تحسین آزادی‌های غربی از جمله عوامل بی‌غیرتی محسوب می‌شوند.

امام صادق (ع) فرموده است: شیطانی است که هرگاه در منزل شخصی چهل روز ساز و آواز باشد و مردان به آن جا رفت و آمد کنند، آن شیطان نزد صاحب‌خانه رفته و هر عضو خود را به مثل اعضای صاحب‌خانه می‌گذارد و در او می‌دمد بعد از آن این مرد آن قدر بی‌غیرت می‌شود که می‌بیند دیگران با همسرش زنا می‌کنند. «ولی او ناراحت نمی‌شود».

از سوغات تهاجم فرهنگی آن است که همان گونه که در فرهنگ غرب انسان غربی اکثراً بی غیرت بوده و زنانشان با مردان دیگر رابطه نامشروع دارند، این بی غیرتی به بعضی از افراد روشنفکر و غرب زده داخل و خارج از کشور سرایت کرده و آن‌ها را هم بی غیرت نموده و در مجالس پارتی و شب نشینی‌ها زنان خود را به نمایش می‌گذارند و کارهای زشت انجام می‌دهند.

و گاه آن چنان بی غیرت می‌شوند که زنان خود را باهم عوض می‌کنند تا با زنا با زنان شوهر دار لذت جدیدی تجربه کنند.

یکی از انواع غیرت، غیرت دینی است. غیرت نسبت به دین. نمونه آن این است که مشاهده میکنیم غده سرطانی منطقه یعنی اسرائیل اینهمه در حق مسلمانان فلسطین و لبنان و ایران اسلامی جنایت می‌کند ما به عنوان غیرت دینی نباید سکوت کنیم. همه مسلمانان با غیرت باید با این جرثومه فساد مبارزه و جهاد کنند.. این وظیفه ای است که خدا به گردن همه مسلمانان نهاده تا با این دولت کودک کش جهاد کنند تا او را سرکوب کنند و. از نقشه کره زمین حذفش نمایند... غیرت دینی به ما دستور می‌دهد یار و یاور مظلوم و دشمن ظالم باشیم. غیرت دینی اجازه سکوت و بی تفاوتی به ما نمی‌دهد.. اگر کسی در مقابل ظلم

این رژیم جنایتکار بی تفاوت باشد حتما در پیشگاه الهی مواخذه میشود.
خوشبختانه ملت ایران اسلامی غیرت دینی دارند لذا از اول انقلاب تاکنون نظام
اسلامی حامی ملت فلسطین بوده اند و باجان و مال به آنها کمک کرده اند و
کمک می کنند و امیدواریم همه ملت های اسلامی غیرت دینی داشته باشند
همانطور که مسولین پاکستان گفتند ما در کنار ایران ایستاده ایم. یا مردم یمن که
در حمایت از فلسطین پای کار آمده اند . انشالله پیروزی نزدیک است و با نابودی
اسرائیل و بیرون انداختن امریکا از منطقه، آرامش به اینجا بر می گردد.. ان الله
..یدافع عن الذین امنوا. خداوند از مومنین دفاع می کند

استکبار جهانی می خواهد ما هم مثل عربستان گاو شیرده او باشیم. لذا می گوید
یا توافق کنید یا وضع بدتر میشود ما در جواب همان ندای حسینی را فریاد می
زنیم که هیهات منالذله... در زمانهای قاجار و پهلوی دولت های ما نوکر غرب
بودند فقط در دوران سه ساله امیر کبیر ما عزت داشتیم. نقل می کنند سفیر روس
به امیر کبیر گفت فلان شهرتان را بما بدهید! امیر کبیر گفت آی کشک و
بادمجان آی فاطمه خانم جان! سفیر گفت منظورت چیه امیر کبیر گفت ما یه
فاطمه خانم داریم کشک و بادمجان خوبی درست می کنه میگم برا شما هم
درست کنه! سفیر روس گفت ممنون اما گفتم فلان شهرو بما بدهید باز امیر کبیر

گفت آی کشک بادمجون آی فاطمه خانم جان! سفیر دمش رو کولش گذاشت و رفت! اما سایر صدراعظم ها در مقابل سفیر روس یا انگلیش نوکر بودند.. ولی با پیروزی انقلاب اسلامی دیگه اون دوران گذشت و ایران آقای خود است اگر چه دشمن این را نمی تواند تحمل کند.... یزیدون لطفوا نور الله بافوا همم والله متم نوره ولو کره الکافرون.. در این موقعیت حساس دعا خیلی اهمیت دارد. پیامبر خدا فرمود ایا شما را از سلاحی آگاه نکنم که شمارو بر دشمنان پیروز کند؟ گفتند چرا. فرمود زیاد دعا کنید... ان لنصر رسلنا والذین امنوا فی الحیوه الدنیا.. زمر ۵۱.. ما رسولان و مومنین را در دنیا یاری میکنیم

حکم تاریخی امام خمینی رحمت الله علیه

بهمن یکی از مهمترین روزهای تاریخ اسلام است، روزی که یک مرجع ۲۵ تقلید به خاطر غیرت دینی بالایی که داشت، حکم ارتداد سلمان رشدی را صادر کرد. معادلات دنیا به هم ریخت؛ دنیا هیچ وقت چنین چیزی را تصور نمی کرد که نویسنده کتاب آیات شیطانی نتواند از خانه اش بیرون بیاید. فقط در سال یک میلیون پوند باید برای حفاظت از او خرج شود. این نشان دهنده غیرت دینی حضرت امام (رحمه الله علیه) بود. چیزی که همه ما به آن نیاز داریم. چیزی که

شیعه را سرپا ننگه داشته همین غیرت دینی است... پس از صدور فرمان قتل سلمان
رشدی، مسئولان سیاست خارجی کشور خدمت حضرت امام (رحمه الله علیه)
رسیدند و عرض کردند: آقا این فتوای شما با قوانین دیپلماسی و موازین بین
المللی سازگار نیست. امام (رحمه الله علیه) فرمودند: «به درک، آبروی رسول الله
(صلی الله علیه و آله) رفت، هرچه می خواهد به هم بخورد. ای کاش خودم جوان
بودم، می رفتم او را می کشتم

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خدا همیشه عدالت داشتن است

ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا
بالعدل (نساء، 58/4)

خداوند به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان
مردم داوری کنید .

در تفسیر المیزان در ذیل آیه و امرت لاعدل بینکم (شوری ، 15/42) آمده

است:

معنای جمله مورد بحث این است که من مأمور شده ام بین شما عدالت را برقرار کنم ، یعنی همه را به یک چشم بینم ، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را صغیر مقدم ندارم و سفید را بر سیاه و عرب را بر غیر عرب و هاشمی را و یا قریشی را بر غیر آنان برتری ندهم

ولقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (حدید ، 25/57)

به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند .

پیامبر اعظم (ص) به عنوان خاتم الانبیاء و برترین پیامبران الهی از سوی خداوند متعال مأمور شد که عدالت را در جامعه بر پا دارد. خداوند متعال در مورد این مأموریت می فرماید: «و قل ءامنتم بما انزل اللّٰه من كتاب و امرت لا عدل بینکم؛» (ای پیامبر بگو: به هر کتابی که خداوند نازل کرده است ایمان آورده ام، و مأمور هستم که در میان شما به عدالت رفتار کنم

پیامبر اعظم (ص) می فرماید: ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش،

نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، بهتر است

پیامبر اعظم (ص) وقتی لشکر اسلام را بسیج می کرد سپاه را با تمام افراد لشکر

احضار نموده و به ایشان می فرمود: «بروید بنام خدای تعالی و استقامت جوئید به

خدای و در راه خدا و بر ملت پیغمبر خدا جهاد کنید. مکر نکنید، از غنائم سرقت

نکنید و کفار را بعد از قتل مثله نکنید و پیران و اطفال و زنان را نکشید و رهبانان

را که در غارها و بیغوله ها جای دارند بقتل نرسانید، حیوانات حلال گوشت را

نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آنها نیاز داشته باشید. هرگز آب مشرکان را

زهر آلود نکنید. شیخون بر دشمن نزنید. درختان را از بیخ قطع نکنید مگر اینکه

مضطر باشید و درختان میوه را برنیاورید و حرث و زرع و نخلستان را نسوزانید و

می فرمود: من بیشتر دوست دارم که شما را در موقع مراجعت (از جهاد) همراه با

مردمی بینم که به اسلام گرویده اند نه با عده ای کودکان و زنانی که پدران و

شوهران آنها را کشته باشید

هنگامی که پیامبر اعظم (ص) نزد قبیله یهودی بنی نضیر رفت تا در پرداخت دیه

دو مقتول از طایفه بنی عامر که به دست «عمرو بن امیه» (یکی از مسلمانان) کشته

شده بود، از آنها یاری و کمک بگیرد (بر اساس پیمانی که با رسول خدا بسته

بودند بنی نضیر متعهد شده بود کمک کند) آنان در نهران توطئه کردند که رسول خدا(ص) را به قتل برسانند. خداوند رسول اعظم (ص) را آگاه کرد. و پیامبر (ص) دستور آماده باش برای جنگ به مسلمانان داد و این آیه درباره یهودیان توطئه گر و پیمان شکن که مسلمانان از آنان کینه به دل داشتند نازل شد. «... و لا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی...» () هرگز دشمنی با قومی شما را به بی عدالتی و ادا نکنند، به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است.»

به مسلمانان تذکر داد تا مبادا به خاطر دشمنی که با یهود دارند به بی عدالتی با آنها رفتار کنند. این در حالی بود که بنی النضیر با پیامبر(ص) پیمان بسته بودند که هرگز بر ضرر رسول خدا(ص) و یاران او قدمی بر ندارند و به وسیله زبان و دست ضرری به او نرسانند... هرگاه بر خلاف متن پیمان رفتار کنند، دست پیامبر در ریختن خون و ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آنها باز خواهد بود. () با این حال پیامبر اعظم(ص) با عدالت و مهربانی و گذشت با آنها رفتار نمود و به . کمتر از آن چیزی که به آنها قرار گذارده بود مجازات نمود

هنگامی که پیامبر اعظم (ص) «خالد بن ولید» را برای تبلیغ و شکستن بت «عزی» به سرزمین قبیله «جدیمه بن عامر» رهسپار کرد و به او دستور داد که خونی نریزد و

از در جنگ وارد نشود، اما وی به دستور پیامبر عمل نکرد و عده ای از بنی جذیمه را به قتل رساند. وقتی خبر جنایت خالد به گوش پیامبر رسید. سخت ناراحت شد. فوراً به علی (ع) مأموریت داد که به میان قبیله مزبور برود و خسارت جنگ و خونبهای افراد را به طور دقیق بپردازد. علی (ع) در اجرای دستور پیامبر به قدری دقت به خرج داد که حتی قیمت ظرف چوبی که سگان قبیله در آن آب می خوردند و در برخورد خالد شکسته شده بود، پرداخت

علی (ع) این دست پرورده پیامبر اعظم (ص) کار عدالت را به فرمان پیامبر (ص) به چنان صحنه ای زیبا و به یادماندنی تبدیل کرد تا صحنه جنایات خالد از ذهن مردمان کمی زدوده شود. علی (ع) حتی مبلغی به کسانی که از حملات خالد ترسیده بودند پرداخت و کاملاً از آنان دلجوئی کرد. پیامبر اعظم (ص) روش عادلانه علی (ع) را تحسین کرد و سپس رو به قبله ایستاد و به حالت استغاثه گفت: «خدایا تو آگاهی که من از جنایت خالد بیزارم و من هرگز به او دستور جنگ» () نداده بودم.

پیامبر اعظم (ص) سفارش می نمایند که اگر دوست دارید فرزندانان در هنگام نیاز در نیکی کردن و محبت کردن به شما با عدالت رفتار کنند و از خط و مدار عدل خارج نشوند شما هم در کار بخشش بین آنها با عدالت رفتار کنید: «اعدلو

بين اولادكم بالنحل كما تحبون أن يعدلوا بينكم في البر و الطف؛ () شما که می خواهید فرزندانان در نیکی و محبت با شما به عدالت رفتار کنند در کار بخشش

«با آنها با عدالت رفتار کنید»

پیامبر اعظم (ص) حتی در بوسیدن کودکان، امت و پیروان خود را به عدالت سفارش می کردند. علی (ع) می فرماید: پیامبر اعظم (ص) مردی را دید که دو کودک داشت یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. آن حضرت فرمود: چرا بین آنان با عدالت رفتار نمی کنی؟

انس گوید: مردی نزد پیامبر اعظم (ص) نشسته بود. پسر او آمد. پدر، او را بوسید روی زانوی خود نشاند. سپس دختر آن مرد آمد (بدون اینکه او را ببوسد) وی را کنار خود نشانید. پیامبر (ص) فرمود: چرا بین آنها با عدالت رفتار نکردی؟

پیامبر رحمت و پیامبر اعظم (ص) مؤمنان و پیروان خویش را دعوت می کرد که از خدا بترسند و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنند: «اتقوا الله و اعدلوا بین اولادكم كما تحبون ان یبروكم؛ () از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همانطور که می خواهید با شما به نیکی رفتار کنند»

پیامبر اعظم (ص) مأمور برپایی قسط و عدل بود. «قل امر ربی بالقسط؛ () بگو. پروردگارم به قسط فرمان داد»

در غزوه حنین، پس از آنکه به دستور آن حضرت زنان و کودکان «هوازن» باز گردانده شدند، مردم گرد پیامبر را احاطه کرده، خواهان تقسیم غنایم شدند. آن حضرت به درختی تکیه دادند، ردای ایشان را از دوششان کشیدند و بردند. پیامبر رو به آنان کرد و فرمود: «ای مردم! ردای مرا پس دهید. به خدا سوگند، اگر شما را به عدد درختان تهامه گوسفند و شتر باشد همه را بر شما قسمت می‌کنم و در من بخلی، برسی و دروغی نخواهید یافت.» آن گاه کنار شتری ایستاد و قدری کرک از کوهان شتر میان دو انگشت خود گرفت و گفت: «ای مردم، به خدا سوگند که از غنایم شما و از این پاره کرک جز خمس آن حقی ندارم. آن خمس هم به شما داده می‌شود. حال هر که از غنایم، حتی نخ و سوزنی برداشته است، باز گرداند؛ زیرا خیانت در غنایم در روز قیامت برای خیانت کار ننگ و «آتش و بدنامی خواهد بود»

مردی از انصار دسته‌ای نخ موین آورد و گفت: یا رسول‌الله، این نخ‌های موینی را برداشته‌ام تا پالان شتر خود را با آن بدوزم. حضرت فرمود: «آنچه سهم من است از آن تو باشد.» مرد انصاری گفت: اگر کار به این سختی است نیازی به آن «ندارم، و آن را میان غنایم انداخت

مردی دیگر آمد و گفت: ای رسول خدا، این ریسمان را موقعی که دشمن به
هزیمت رفته بود یافته‌ام. آیا می‌توانم با آن بارهای خود را ببندم؟ حضرت فرمود:
«سهم من از آن تو باشد، ولی با سهام مردم چه می‌کنی؟»

آن حضرت در حجه‌الوداع هنگامی که خواستند رباخواری را در میان مردم باطل
اعلام نمایند، برای اینکه عملاً به تبعیض در اجرای قانون خط بطلان بکشند، ابتدا
از عمویشان عباس شروع کردند و هر چه عباس از بهره پول در ذمه مردم داشت،
باطل ساخت و فرمود: «إِنَّ رَبَّ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَإِنَّ أَوَّلَ رَبِّهَا أَبَدٌ بِه رَبِّ الْعَبَّاسِ بْنِ
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ»؛²⁴ ربای دوران جاهلیت برداشته شد و اولین ربایی را که از
دربرداشتن آن آغاز می‌کنم ربای عباس بن عبدالمطلب است.

و آن گاه که خواستند به خون‌های ریخته شده در دوران جاهلیت پایان دهند، از
خون عامر بن ربیع، که از نزدیکان ایشان بود شروع کردند و فرمودند: «وَإِنَّ دِمَاءَ
الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ وَإِنَّ أَوَّلَ دَمٍ أَبَدٌ بِه دَمُ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ».

در فتح مکه، زنی از قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش
محرز گردید. خویشاوندان آن زن، که هنوز رسوبات نظام طبقاتی دوران جاهلیت
در مغزشان مانده بود، اجرای مجازات - یعنی حدّ سرقت - را نسبت به آن زن

ننگ خانواده اشرافی خود می دانستند. به همین دلیل، برای متوقف ساختن اجرای حدّ سرقت، به تلاش افتادند و به همین منظور، اسامه بن زید را، که مانند پدرش زید نزد پیامبر محبوبیت داشت، وادار به شفاعت نمودند. اما همین که اسامه زبان به شفاعت گشود، پیامبر(ص) خشمگین شدند و با عتاب فرمودند: «چه جای شفاعت است؟ مگر می توان حدود و قانون خدا را بلا اجرا گذاشت؟» و فوراً دستور مجازات صادر نمودند. اسامه متوجه لغزش خود شد و عذرخواهی نمود.

پیامبر(ص) برای اینکه فکر تبعیض در اجرای قانون را از ذهن مردم بیرون نمایند، عصر همان روز به ایراد خطبه پرداختند و به مسئله عدالت در اجرای قانون اشاره نموده، فرمودند: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند؛ بدین سبب که در قانون تبعیض روا می داشتند؛ هر گاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرم می شد او را از مجازات معاف می کردند، و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می ورزید او را مجازات می کردند. قسم به خدایی که جانم در قبضه اوست! در اجرای عدل درباره هیچ کس فروگذاری و سستی نمی کنم، اگرچه

«مجرم از نزدیکان من باشد»

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خداوند است امر بمعروف و نهی از منکر کردن است

:امر به معروف و نهی از منکر

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ « 1-

... « [1] باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر

...! کند

يَا بَنِي آقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنه عَنِ الْمُنْكَرِ ...» [2] پسر من! نماز را بر « 2-

... پا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن،

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ « 3-

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ « [3] . ، شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند

. ؛ (چه اینکه) امر به معروف و نی از منکر میکنید و به خدا ایمان دارید

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ... « [4] « 4-

... به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ ... « [5] آنها ... « 5-

را به معروف دستور میدهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها

... حلال می شمرد،

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ...» [6]. مردان و زنان با ایمان، ولی (ویار و یاور)

... یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ نماز را بر پا میدارند و

الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ...» [7]

الْمُؤْمِنِينَ» [7]. آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و

!مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان

الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ

وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...» [8] همان کسانی که در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز

را بر پا میدارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند

. سوره آل عمران، آیه 104 [1]

. سوره لقمان، آیه 17 [2]

. سوره آل عمران، آیه 110 [3]

.سوره آل عمران، آیه 114 [4]

.سوره اعراف، آیه 157 [5]

.سوره توبه، آیه 71 [6]

.سوره توبه، آیه 112 [7]

.سوره حج، آیه 41 [8]

اشهد انك قد اقامت الصلوه واتيت الزكواه وامرت بالمعروف ونهيت
عن المنكر.....«كنتم خير امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن
المنكر....پيامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آن كس كه از همه بیشتر امر به
معروف و نهی از منكر كند، و آن كس كه از همه پرهیزگارتر باشد و در راه
خشنودی خداوند از همه بیشتر گام بردارد.»همچنین آن حضرت در روایتی دیگر
در اهمیت این واجب الهی فرمود: «پیروان من تا زمانی كه امر به معروف و نهی از
منكر می كنند و در راه خیر یكدیگر را كمك می نمایند، طریقه خیر و سعادت
را می پیمایند؛ ولی آن گاه كه این واجب الهی را ترك كنند، بركات از آنان
گرفته می شود؛ دسته ای از آنها بر عده دیگری چیره می گردند و یار و یاور
برای آنها در زمین و آسمان پیدا نخواهد شد.امام علی (علیه السلام) فرمود: «عده

ای از مردم با دست و زبان و قلب، با منکرات مبارزه می کنند و اینها جامع تمام خوبی هائیند و کسانی که از هیچ راه، نهی از بدیها نمی کنند، مردگانی زنده نما بیش نیستند.» آن حضرت درباره اهمیت این دو فریضه فرمود: «همه کارهای نیک و جهاد، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره ای در برابر دریاست.» با توجه به اهمیت این مسئله، دانشمندان اسلامی، آن دو را اساس و قطب دین خوانده اند: «امر به معروف و نهی از منکر، از نظر عقل و شرع مقدس، از مهم ترین واجبهها، بلکه اساس شریعت حیات بخش اسلام و از برترین عبادتهاست.»

در اسلام، همه مسلمانان نسبت به یکدیگر و آنچه در جامعه مسلمین می گذرد مسئول هستند. در اسلام آدم بی تفاوت نداریم. آدمی که بگوید وضع دیگران بمن مربوط نیست نداریم و هر کسی در هر شغل و لباسی که است نسبت به وضع اخلاقی جامعه باید وظیفه خود را که امر به معروف و نهی از منکر است انجام دهد.

این و واجب مختص به روحانیون نیست! مختص به نیروی انتظامی نیست بلکه همه آحاد مردم باید ناهی از منکر باشند. هر کسی وقتی منکری را دید. کار بدی را از شخصی مشاهده کرد باید آن طوری که صلاح است جلو منکر را

بگیرد اگرچه در نظام اسلامی تذکر لسانی بعنوان تنها وظیفه هر کسی در نظر گرفته شده و از طرف رهبر حکیم انقلاب پیشنهاد شده و مراحل دیگر نهی از منکر مانند برخورد فیزیکی بعهدہ نیروهای انتظامی، اعضاء حفاظت اجتماعی . و ناصحین بسیج می باشد

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
«(توبه).» وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

آنهائی که توبه کننده، عابد، حمد کننده، هجرت کننده، اهل رکوع و سجود و امر بمعروف و نهی از منکرند . پس مؤمنین را بشارت بده

سید جمال اسد ابادی در مصر جمعیتی به نام "انجمن وطنی" تشکیل داده و مردم مصر را برای عضویت در آن دعوت کردند. تنها چهل نفر قبول کردند و عضو :انجن شدند. اعضا باید به هفده ماده انجمن عمل می کردند شامل

هر یک از اعضای انجمن در هر شبانه روز حداقل یک حزب از قرآن مجید را با دقت و تفکر بخوانند

نمازهای واجب خود را با جماعت بخوانند

.امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنند

.مردم غیر مسلمان را دعوت به اسلام نمایند

.با مبلغان نصارا به بهترین وجه مباحثه و مناظره نمایند

.نسبت به فقیران و محرومان در حدود امکان احسان کنند

هر کس انجام هر عمل مشروعی را از آن ها خواستار شد انجام دهند، و یا اگر آن

ها خود اطلاع از احتیاج کسی برای انجام عمل پیدا کنند، بدون درخواست آن

کس اقدام به آن عمل نمایند

صله رحم و سرکشی به خویشاوندان و نزدیکان خود را از یاد نبرند، و انجام

دهند.

.از مریض ها عیادت کنند

اگر مسلمانی در بازار و یا مسجد دیده نشد، از حال او جويا شوند، و علت غیبت

او را جستجو نمایند تا اگر غیبت او برای پیش آمد بوده، در رفع آن مشکل

بکوشند

.کسانی که از مسافرت مشروع برگشتند، به زیارت و دیدار آن ها بروند

.حقوق واجب مالی خود را به مستحقان پردازند

از رهنمایی افراد نا آشنا به قوانین دین، و یا شئون سعادت بخش دیگر کوتاهی نمایند.

صفات رذیله به ویژه کبر و خودخواهی و خود پسندی و رهبری طلبی را از خویشان دور نمایند.

از لغزش ها و خطاهای برادران مسلمان خود بگذرند

با مردم، تندخو و غضبناک نباشند

از انجام عمل و گفتن سخنی که نفعی مادی یا معنوی برای آنان و یا دیگر مسلمانان ندارد خودداری کنند

در ضمن هر یک از اعضای انجمن یک دفتر کوچک هم با خود داشته، و به هر یک از مواد هفده گانه بالا که عمل نمودند، بلافاصله در آن دفتر یادداشت کرده تا در دفتر کل انجمن ثبت نمایند و در ضمن چون اجرای بعضی از این موارد، احتیاج به داشتن بودجه مالی داشت، لذا آن چهل نفر در مرحله اول تصمیم گرفتند که تجملات زندگی خود را عموماً به فروش بگذارند و با حداقل ضروریات زمندگی بسر برند و همچنین در شبانه روز به ساده ترین خوراک ها قناعت کرده و بقیه درآمد مالی خود را به انضمام پول هایی که از راه فروش

تجملات زندگی از فرش و لباس و ظروف و غیره بدست آمده، در صندوق انجمن بریزند تا برای انجام آن قسمت از برنامه که احتیاج به پول دارد، معطل نمانند.

بیلان و عملکرد یک ماهه انجمن وطنی مصر

اعضای انجمن وطنی مصر تحت رهبری سید جمال الدین اسدآبادی، با مراقبت شدید فقط برای مدت یک ماه به این مواد هفده گانه عمل کردند، و اینک نتیجه کار و بیان عملکرد آنان در مدت یک ماه

از هزار و پانصد بیمار عیادت نمودند

از دو هزار و هفتصد نفر از مسافران دیدن کردند

از حال پانصد نفر از مسلمانان - که از مجامع عمومی غیبت کرده بودند - جویا شدند.

دوازده هزار مورد از موارد نیازمندان را بر آورده کردند

هشتصد نفر معتاد به مشروبات الکلی را توبه دادند

هزار و سیصد نفر از مسلمانانی را که نماز نمی گذاردند، وادار به خواندن نماز کردند.

چهار صد نفر از زنان فواحش و منحرف را وادار به توبه نمودند

هشتاد نفر از مستخدمان ادارات انگلیسی را وادار به استعفا از خدمت به آن حيله
گر نمودند

پانصد نفر از رجال و ثروتمندان مصر را واداشتند تا از خریدن کالا و اشیاء
لوکس و تجملات زندگی، که از ممالک بیگانه و به ویژه از انگلستان وارد می
شود، خود داری کنند

به هفتاد و پنج نفر ورشکسته سرمایه دادند

دویست و شش نفر از فقرای حقیقی را برای مدت یک سال هزینه زندگی دادند
و آنان را تأمین کردند

سی و پنج نصرانی و پانزده یهودی و هفتاد نفر بت پرست را مسلمان کردند
چهل و چهار مجلس بحث با مبلغان نصرانی - که در تحت حمایت دولت انگلیس
در مصر مشغول به فعالیت بودند - برقرار نمودند، و صد و بیست اشکال و ایراد به
آنها وارد ساختند، که از دادن جواب آن عاجز ماندند

این بود بیان فشرده عملیات یک ماهه یک انجمنی که اعضای آن فقط چهل نفر بودند.

پس از فعالیت یک ماهه انجمن وطنی مصر، ((لرد کرومر)) مستشار مالی انگلیس در مصر دید که؛ یک دفعه 45٪ از نفوذ دولت انگلیس در مصر کاسته شد و تجارت انگلستان سی و پنج درصد تنزل نمود! هشتاد نفر از مستخدمان کار کرده و با تجربه مسلمان که در ادارات انگلیسی مشغول کار بودند از شغل خود استعفا نمودند و دیگر هم کسی حاضر نیست در ادارات انگلیسی مشغول کار گردد

لرد کرومر مستشار مالی انگلیس با کمال تعجب دید که نمایندگان کمپانی های انگلیسی و به ویژه نمایندگان اشیاء و کالاهای تجملی و لوکس از عدم مراجعه مشتریان فریادشان بلند است و می گویند: ما دست روی دست گذاشته و به اندازه مخارج مغازه و حقوق کارکنان آن هم فروش نمی کنیم، و از طرفی آن عده از مأموران دولت مصر که مأمور وصول مالیات مشروبات الکلی و زنان فاحشه و سینماها و تأثرها بودند، از شغل خود استعفا دادند

لرد کرومر دید فعالیت های سی و پنج ساله مبلغان نصارا در مصر، نسبت به عملیات یک ماهه انجمن وطنی مصر نسبت یک به شانزده است! خلاصه لرد کرومر با دیدن این عکس العمل سخت و شدید یک ماهه انجمن وطنی مصر، آن

چنان دچار وحشت گردید که بلافاصله گزارشات تکانه‌دهنده و وحشتناکی به لندن مخابره کرد.

گزارشات مستشار مالی انگلیس

لرد کرومر در یکی از گزارشات خود به لندن چنین می نویسد

بدین وسیله به زمامداران انگلستان اعلام خطر می کنم که اگر یک سال دیگر انجمن وطنی مصر تحت رهبری سید جمال الدین اسد آبادی ادامه پیدا کند، نه تنها سیاست و تجارت دولت انگلیس در آسیا و آفریقا نابود خواهد شد، بلکه ترس آن است که نفوذ کشورهای اروپایی به یک باره در سراسر جهان به خطر افتد!

او در گزارش دوم خود می نویسد: انجمن وطنی مصر بدترین صاعقه ای است که برای پیشرفت ما تصور شود، و باید با کمال سرعت و عجله از برای تفرق آنان دستور صادر شود!

:و باز نامبرده در گزارش سوم خود می نویسد

انجمن وطنی مصر بهترین شاهد است بر استیلاي محیر العقول مسلمانان در سیزده قرن قبل که در مدت کوتاهی بر ثلث کشورهای جهان تسلط یافتند

یکی از مبلغان مسیحی در گزارشی که به کلیسای سن پُل که بزرگترین کلیسای آن عصر بود می دهد، چنین می نویسد: هیچ امری عجیب تر از این واقعه نیست که هفتصد میلیون مسیحی و اولاد انجیل در مقابل چهل نفر مسلمان که در واقع روح یک سید روحانی در کالبد آن ها بیش نیست، این گونه مقهور گردند!.... دولت انگلیس احساس خطر کرد و بیدرنگ دستور متفرق کردن انجمن وطنی مصر و مجازات شدید اعضای آن از لندن برای دولت مصر صادر گردید و در نتیجه پس از اعلام حکومت نظامی در مصر، مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی را از آن جا تبعید کردند و شیخ محمدعبده را به سه سال زندان محکوم نمودند و در باره بقیه اعضای انجمن هم رفتار و حشانه ای معمول داشتند که موجب ننگ تاریخ انسانیت می باشد، و خلاصه این ستاره ای که فقط برای مدت یک ماه از افق مسلمانان طلوع کرده بود، دوباره افول نمود، و دولت خونخوار انگلستان با آسایش خاطر و بدون هیچ گونه مزاحمت به چپاولگری و مکیدن خون مسلمانان بار دیگر مشغول گردید

:در زیارت نامه امام حسین علیه السلام می خوانیم

اشهد انک قد اقامت الصلوه واتیت الزکواه وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر..

شهادت می دهم شما نماز را برپا کردی و زکات دادی و امر بمعروف و نهی از
...منکر نمودی

خود حضرت در وصیتنامه خود به برادرش محمد بن حنفیه یکی از علل قیام
..خود را امر بمعروف و نهی از منکر اعلام فرموده اند

لذا امام حسین علیه السلام شهید امر بمعروف و نهی از منکر هستند

!سیلی در مقابل سیلی

: یکی از بزرگان قم نقل کرده است

من مدت دوازده سال از قم به تهران نرفتم تا آنکه یک کار ضروری برایم پیدا
شد

. که ناچار شدم به تهران بروم

در آن ایام رضاشاه قلدر دستور کشف حجاب را داده بود و مأمورین این دستور
را با شدت اجرا می کردند . من در تهران در یکی از خیابانها می رفتم دیدم زنی با
چادر می رود تا چشم یکی از افسران به آن زن افتاد با شدت یک سیلی به او زد
. و چادر را از سرش کشید به طوری که من وحشت زده شدم

ناگهان دیدم یک کالسکه در همانجا ایستاد و مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی از آن پیاده شد و از پشت سر یک سیلی محکم به آن افسر زده و او را به لرزش درآورد باز سوار کالسکه شده رفت آن افسر مانند کسی که استخوانی در گلویش گیر کند دیگر نتوانست کلمه‌ای حرف بزند

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خداوند است کار و تلاش است

لیس للانسان الا ما سعی... خداوند بنده پر خواب را مبعوض می شمرد، خداوند... انسان بیکار را دشمن می دارد

خداوند افراد زحمت کش که برای امورات زندگی خود کار و تلاش می کنند دوست دارد و برعکس از ادم های بیکار بدش می آید! بیکاری عامل گناه و مشکلات روحی است. مخصوصا خانم هایی که صبح تا شب بیکارند! در این

رابطه به چند روایت توجه نمایید: از امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: ان الله تعالى ليغض العبد النوام ، ان الله ليغض العبد الفارغ : (خداوند بنده پر خواب را مبعوض می شمرد، خداوند انسان بیکار را دشمن می دارد...)

کار و تلاش برای هر مسلمانی واجب و لازم است و در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «طلبُ الحلالِ فريضةٌ على كلِّ مسلمٍ و مسلمةٍ» . کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است .
منزلت کارگر در نگاه پیامبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احترام و جایگاه ویژه ای برای کارگران در نظر می گرفت. ایشان معتقد بود که هر کسی بنا به موقعیت خود، می تواند در کار خاصی توفیق بیشتر بیابد. رسول مهربانی و رحمت در این باره می فرماید: «همه شما کار و کوشش کنید، ولی متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده .» است و آن را به سهولت انجام می دهد

هرگاه کسی در کاری که مهارت داشت، فعالیت می کرد، حضرت به نیکی، او را احترام می گذاشت. در بیان شرافت و عزت کارگران همین بس که رسول

اکرم صلی الله علیه و آله با افتخار، بر دستشان بوسه زد. می گویند پس از آنکه پیامبر از جنگ «تبوک» بازگشت، سعد انصاری به پیشواز آن حضرت شتافت و با حضرت دست داد. پیامبر به او فرمود: دستت چه شده که چنین زبر و خشن است؟ سعد گفت: ای رسول خدا! با طناب و بیل کار می کنم و درآمدی برای خرج زندگی خود و خانواده ام کسب می کنم. از این رو، دستم خشن شده است. حضرت دستان سعد را در دست های مهربان خویش گرفت و آنها را بوسید و «فرمود: «این دستی است که آتش دوزخ به آن نمی رسد».

تنبلی و تن پروری، مسئله ای بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره مردم را از آن برحذر می داشت و درباره پرهیز از این کار و روی آوری به کار و تلاش می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشَّابَّ الْفَارِغَ؛ خداوند، جوان بی کار را دوست «نمی دارد».

پیامبر خدا در گفتاری حکیمانه، افراد تنبل و بی حال را که تن به کار نمی دهند و می کوشند که از دست رنج دیگران بهره مند شوند، مورد نکوهش و سرزنش شدید قرار داده، می فرماید: "ملعون ملعون من القی کله علی الناس، ملعون ملعون من ضیع من یعول؛ از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که

بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد. ملعون است، ملعون است کسی که
"اعضای خانواده‌اش را (در اثر ندادن نفقه) تباه کند

رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر این باور بود که: **"العبادة سبعون جزءا افضلها
طلب الحلال ()؛ عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آنها طلب روزی حلال
است."**

آن حضرت اشتغال به کارهای حلال را مانند سایر عبادات، بر زن و مرد مسلمان
ضروری دانسته و می‌فرماید: **"طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة؛ به
سراغ درآمد حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است"**

مردی از اصحاب در تنگنای زندگی قرار گرفت. وی که دارای شغل مناسبی نبود
و بسیاری اوقات از بیکاری رنج می‌برد، خانه نشین شد. روزی همسرش به وی
گفت: ای کاش به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتی و از او درخواست
کمک می‌نمودی! مرد با پیشنهاد همسرش به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله
رفت. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: **"من سالنا اعطيناه و من استغنى
اغناه الله؛ هر کس از ما کمک بخواهد، ما به او یاری می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی
ببورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند"**

او پیش خود فکر کرد که مقصود پیامبر، من هستم و بدون این که سخنی بگوید، به خانه برگشت و ماجرا را برای همسرش بازگو کرد. زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بشر است. (و از حال تو خبر ندارد.) او را به وضع زندگی نکبت بار و پر مشقت خود آگاه کن.

مرد ناچار برای بار دوم به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفت اما قبل از این که حرفی بزند، پیامبر همان سخن قبلی را تکرار کرده و فرمود: "من سالنا اعطیناه و من استغنی اغناه الله." باز هم بدون اظهار حاجت، به خانه برگشت ولی چون خود را همچنان در چنگال فقر و بیکاری، ضعیف و ناتوان می‌دید، برای سومین بار با همان نیت به مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفت. باز هم لب‌های رسول الله صلی الله علیه و آله به حرکت درآمد و با همان آهنگ - که به دل، قوت و به روح، اطمینان می‌بخشید - همان جمله را تکرار کرد. این بار اطمینان بیشتری در قلب خود احساس نمود؛ حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد، با قدم‌های مطمئن تری راه می‌رفت. با خود فکر می‌کرد که دیگر به دنبال کمک خواستن از بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرو و استعدادی که در وجودم به ودیعت نهاده شده است، بهره می‌گیرم و از او می‌خواهم که مرا در کارهایم موفق گردانیده و از دیگران بی‌نیاز

سازد. با این نیت، تیشه‌ای عاریه گرفت و به جانب صحرا رفت. آن روز مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و لذت حاصل دست رنج خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا به تدریج توانست از حاصل درآمد خویش، ابزار کار را فراهم نماید. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه و شتر و غلامانی شد. وی در اثر تلاش و کوشش شبانه روزی، یکی از افراد ثروتمند گردید.

روزی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و وضعیت خود را به آن حضرت گزارش داد که چگونه در آن روز فلاکت بار به محضر حضرت آمده و چگونه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله وی را به تحریک و کار واداشت. پیامبر فرمود: من که به تو گفتم؛ هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی بورزد، خدایش او را کمک خواهد نمود

روزی رسول گرامی اسلام (ص) گروهی را که کشت و کار نمی‌کردند، دیدند و فرمودند: «ما أَنْتُمْ؟»؛ شما چه کاره اید؟ «قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ عرض کردند ما توکل کنندگانیم. قال: لا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكِلُونَ»؛ حضرت فرمودند: نه، شما سر

بارید (نوری، 1408ق، ج 11، ص 217)

علی علیه السلام روزی به سلمان فرمود: ای [ابا] عبدالله! باغی را که پیامبر صلی الله علیه و آله با دستان خویش آن را ساخته و درخت‌هایش را کاشته است، برای فروش به مشتریان عرضه کن. سلمان باغ پیامبر را به معرض فروش گذاشت و به دوازده هزار درهم فروخت

روزی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما بعث الله نبیا الا راعی غنم؛ تمام پیامبران الهی پیش از آن که به مقام نبوت برسند، مدتی چوپانی کرده‌اند. قالوا: و انت یا رسول الله؟! از پیامبر سوال شد: آیا شما نیز چوپانی کرده‌اید؟ قال: و انا رعیتها لاهل مکه بالقراریط؛ فرمود: بله، من مدتی گوسفندان (اهل مکه را در سرزمین «قراریط» به چراگاه برده ام

امام صادق علیه السلام در مورد کارهای تجارتی پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان ارزنده‌ای دارد. اسباط بن سالم می‌گوید

روزی به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت پرسید: عمر بن مسلم چه می‌کند؟ گفتم: حالش خوب است اما دیگر تجارت، نمی‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: ترک تجارت، کار شیطانی است. - این جمله را سه بار تکرار کرد. - آنگاه امام ادامه داد: رسول خدا با کاروانی که از شام می‌آمد معامله می‌کرد و با بخشی از درآمد آن معامله قرض‌های خود را ادا نموده و بخشی

دیگر را در میان نیازمندان فامیل تقسیم می نمود. خداوند در مورد تاجران خداجو و باتقوا می فرماید: "رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله" ()؛ مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد خدا غافل نمی کند.

هنگامی که مسجد قبا - اولین مسجد در تاریخ اسلام - ساخته می شد، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله همدوش سایر مسلمانان کار می کرد. آن حضرت سنگ های کوچک و بزرگ را برمی داشت و آنها را بغل می نمود و حمل می کرد. به طوری که سفیدی گرد و خاک سنگ ها کاملاً در بدن آن حضرت نمایان بوده و حکایت از سخت کوشی آن حضرت داشت. گاهی مردی از اصحاب به نزدش می آمد و التماس می کرد که: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد! اجازه بده سنگ و خاک را من ببرم و به جای شما کار کنم. رسول خدا می فرمود: نه، تو هم سنگ دیگری بردار. بالاخره آن حضرت در اثر کوشش های شبانه روزی، ساختمان مسجد قبا را به پایان برد

همچنین در تاسیس ساختمان مسجد النبی صلی الله علیه و آله آن حضرت علاوه بر راهنمایی مسلمانان در طرح ریزی بنای مسجد، خود نیز در کنار آنان کار می کرد و آن چنان از جان و دل کارهای ساختمانی را انجام می داد که مسلمانان تحت تاثیر قرار می گرفتند. اسید بن حضیر یکی از آنان بود که جلو آمده و گفت: یا

رسول الله! اجازه بفرمایید تا من به جای شما سنگ‌های سنگین را حمل کنم.
فرمود: نه، تو یکی دیگر ببر

یکی از مسلمانان نیز این شعر را قرائت می کرد

لئن قعدنا والنبي يعمل فذاك منا العمل المضلل

اگر ما بنشینیم در حالی که پیامبر کار می کند، رفتار بسیار زشت و ناپسند انجام
داده‌ایم!

امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش حضرت باقر علیه السلام فرمود:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از راه‌های عمومی را - که آب خراب کرده
بود- با چیدن سنگ تعمیر نمود. به خدا سوگند! انسان‌ها و چهار پایان تا این لحظه
(از آن استفاده می کنند)

امام صادق علیه السلام فرمود: "کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحلب عنز اهله.
" رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته بز خانواده‌اش می دوشید

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله : «خداوند کسی را که [هرگاه] کاری بر
عهده اش می نهند به درستی انجام می دهد، دوست می دارد

از جمله چیزهایی که موجب خوشنودی خداوند است اهل عفو و بخشش بودن

خداوند اهل عفو و بخشش هست. هزاران بار گناه می کنیم. با خدا مخالفت می نمایم ولی او باز ما را می بخشد. «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟» (

) «و باید عفو کنند و درگذرند! آیا دوست نمی دارید که خداوند شما را

بیبخشاید؟

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا

دو خاطره از بزرگواری مردم....امام علی (ع) می فرماید: دو چیز است که ثوابشان به وزن نمی آید: عفو و عدل

زشت ترین کار: امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: ما اقبح العقوبه مع الاعتذار؛ چقدر زشت و ناروا است که انسان، گنهکاری را که از او پوزش می طلبد، عقوبت کند بدترین مردمان: پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: بدترین مردم کسی است که خطای دیگران را نمی بخشد و از لغزش آنها نمی گذرد.

!هر روز از پشت بام خاکستر همراه آتش بر روی سر آن حضرت می ریخت


حضرت علی علیه السلام در سفارش، برای کینه زدایی از دل ها می فرماید:
«طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحِقْدِ فَإِنَّهُ دَاءٌ مَرْمِي؛ دل ها را از کینه پاک سازید، زیرا کینه
» . توزی دردی مهلك است

:::امام صادق علیه السلام فرمود

الْمُؤْمِنُ يَحْقِدُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحِقْدُ

مؤمن وقتی در مجلس است [ممکن است] دچار کینه شود، ولی آن گاه که از مجلس خارج شد، کینه هم از دل او می رود

...من چیزی بادم نیست

آیت الله انصاری همدانی: افرادی که به ایشان توهین کرده بودند و بعدها  خدمتشان می رسیدند برای عذرخواهی، ایشان می فرمودند برای چه عذرخواهی می کنید؟! من چیزی به خاطر ندارم

اخلاق محمدی آخوند خراسانی

یک شخص سخنرانی بود و به خاطر اختلاف سلیقه ای که با آخوند خراسانی داشت، در منبر به ایشان توهین می کرد. این فرد مشکل مالی پیدا کرد و قصد داشت منزل خود را به فروش رساند. خریدار گفت به یک شرط منزل شما را می خرم که آخوند خراسانی آن را تایید کند. این شخص هم چون چاره ای نداشت با شرمندگی نزد آخوند خراسانی رفت و گفت که پای قولنامه را امضا کنند. آخوند خراسانی به ایشان گفتند: "چرا منزل خود را می فروشید؟" آن شخص گفت که من گرفتاری پیدا کرده ام و به پول احتیاج دارم. آخوند خراسانی مقداری پول به او داد و گفت که خانه خود را بفروش و با این پول مشکل خود را حل کن. این کار مصداق زیباترین عفو و گذشت است. حال اگر

کسی که دارای عفو گذشت نیست با چنین فردی برخورد می‌کرد، به سرعت کارهای بدش را به او یادآوری می‌کرد و می‌گفت: "کاری خواهم کرد تا آخر عمر نتوانی خانه خود را بفروشی (هزار و یک نکته اخلاقی از دانشمندان)

:از نظر قرآن کریم، عفو و بخشش دارای سه مرتبه است

مرتبه اول؛ این است که انسان بدی دیگران را ببیند، اما برای خدا از آن بگذرد. خداوند تعالی در قرآن خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «خذ العفو و


[1] «أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین

مرتبه دوم؛ آن است که انسان بدی دیگران را نبیند. قرآن کریم، نادیده گرفتن ظلم و بدی دیگران را «صفح» می‌نامد و از مؤمنین می‌خواهد که نسبت به هم صفح داشته باشند تا مورد مغفرت الهی واقع شوند: «و لیعفوا و لیصفحوا أ لا

[2] «تحبّون أن یغفر الله لکم والله غفورٌ رحیمٌ

کسی که انتظار دارد خداوند در قیامت او را ببخشد، باید خود نیز، کسانی را که در حق او ظلم کرده‌اند، ببخشد و مهم‌تر این که، ظلم آنان را ندیده بگیرد.

مرتب‌ه سوم؛ آن است که انسان در مقابل بدی دیگران، نسبت به آن‌ها نیکی کند. این مرتبه از گذشت، انصافاً مشکل‌تر از مراتب قبلی است، اما باید دانست که در تعالیم دینی، این گونه عفو و احسان مورد تأکید فراوان واقع شده و به صورت جدی از مسلمانان خواسته شده که این چنین باشند. قرآن کریم می‌فرماید: «یدروُن بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» «ادفع بالتي هي أحسن السيئة»

داستانی که در زمان حکومت حضرت علی (ع) اتفاق افتاده است، زیبا و  عبرت آموز

سه برادر نزد امام علی علیه السلام آمدند و گفتند: می‌خواهیم این مرد را که پدرمان را کشته قصاص کنی.

امام علی (ع) به آن مرد فرمودند: چرا او را کشتی؟ آن مرد عرض کرد: من

چوپان شتر و بز و ... هستم

یکی از شترهایم شروع به خوردن درختی از زمین پدر اینها کرد، پدرشان شتر را

با سنگ زد و شتر مرد،

و من همان سنگ را برداشتم و با آن به پدرشان ضربه زدم و او مرد

امام علی علیه السلام فرمودند: بر تو حد را اجرا میکنم

آن مرد گفت: سه روز به من مهلت دهید. پدرم مرده و برای من و برادر کوچکم

گنجی بجا گذاشته

پس اگر مرا بکشید آن گنج تباه میشود، و به این ترتیب برادرم هم بعد از من تباه

خواهد شد.

امیرالمومنین (ع) فرمودند: چه کسی ضمانت تو را میکند؟

مرد به مردم نگاه کرد و گفت: این مرد

امیرالمومنین (ع) فرمودند: ای اباذر! آیا این مرد را ضمانت میکنی؟

ابوذر عرض کرد: بله. امیرالمومنین

فرمود: تو او را نمیشناسی و اگر فرار کند حد را بر تو اجرا میکنم

ابوذر عرض کرد: من ضمانتش میکنم یا امیرالمومنین

... آن مرد رفت . و زمان به سرعت سپری شد. روز اول و دوم و سوم

... و همه مردم نگران اباذر بودند که بر او حد اجرا نشود

اندکی قبل از اذان مغرب آن مرد آمد

و در حالیکه خیلی خسته بود،

:مقابل امیرالمومنین قرار گرفت و عرض کرد

گنج را به برادرم دادم و اکنون تحت فرمان شما هستم تا بر من حد را جاری

کنی.

:امام علی (ع) فرمودند

چه چیزی باعث شد برگردی در حالیکه میتوانستی فرار کنی؟ ﷺ

... آن مرد گفت: ترسیدم که بگویند "وفای به عهد" از بین مردم رفت

امیرالمومنین از اباذر سوال کرد: چرا او را ضمانت کردی؟ ﷺ

...ابوذر گفت: ترسیدم که بگویند "خیر رسانی و خوبی" از بین مردم رفت

...اولاد مقتول متأثر شدند و گفتند: ما از او گذشتیم

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: چرا؟ ﴿۷﴾

گفتند: میترسیم که بگویند "عفو و بخشش" از بین مردم رفت

مقام بخشش پیامبر خدا و اهل بیتش

ابن خلکان نقل کرده از شیخ نصرالله بن مجلی که گفت شبی در خواب حضرت

امیرالمؤمنین (ع) را دیدم و به آنحضرت گفتم قریش و بنی امیه در مکه باشما

ستمها کردند آب و نان برویتان بستند. از شکنجه و آزار دریغ نکردند تا بمدینه

هجرت کردید آنگاه لشکر کشی کردند و با شما جنگ نمودند بزرگانان را

کشتند ولی نوبت بشما که رسید و مکه را فتح کردید چه شد که انتقام نکشیدید

بلکه گفتید هر کس بهانه ابو سفیان رود در امان است تا در نتیجه فاجعه کربلا

برای فرزندان حسین (ع) پیدا شد

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: اشعار ابن صیفی را در این باره نشنیده ای گفتم نه فرمود

از او بشنو از خواب بیدار شدم بخانه ابن صیفی رفتم و خواب خود را برایش

گفتم پس صیحه زد و ناله کرده و گریست و گفت بخدا سوگند اشعاری را
دیشب گفته ام و هنوز آنرا ننوشته ام و به احدی نگفته ام پس اشعار خود را
خواند و ترجمه اش اینست که : توانا شدیم پس گذشت سرشت ما بود و چون
شما توانا شدید سیلاب خون در مکه براه افتاد. شما کشتن اسیرانرا روا شمردید
ولی ما از اسیران می گذشتیم و می بخشیدیم همین تفاوت بس است میان ما و
شما از کوزه برون همان برآود که در او است.

...امام حسن(ع)بدی را با خوبی جواب داد

امام حسن علیه السلام گوسفند زیبایی در خانه نگهداری می کرد که به آن علاقه
مند بود. روزی دید که پای گوسفند، شکسته است. از غلامش علت را پرسید وی
پاسخ داد: من شکستم. امام پرسید: چرا این کار کردی؟ گفت: می خواستم شما
را ناراحت کنم. امام(ع) لبخندی زد و فرمود: من هم در عوض تو را خوشحال
می کنم؛ تو در راه خدا آزاد هستی

داستان مالک اشتر را همه شنیده اید: او که مردی قوی اندام و قوی هیکل بود از بازار کوفه می گذشت یک بچه بازاری آنجا نشسته بود او را نمی شناخت نوشته اند یک بند قه ای که نمی دانم چه بوده، مثلا آشغالی را برداشت پرت کرد به سر و صورت مالک اشتر اعتنایی نکرد و رد شد بعد از اینکه رد شد، شخصی به آن بازاری گفت: آيا شناختی اين کسی که اين جور به او اهانت کردی، مسخره اش کردی که بود؟ گفت: که بود؟ گفت: مالک اشتر امير الجند و سپهسالار علی بن ابی طالب بدنش به لرزه افتاد گفت: قبل از اینکه درباره من تصمیمی بگیرد بروم از او معذرت بخواهم تعقیبش کرد، دید رفت داخل مسجد و شروع کرد به نماز خواندن دو رکعت نماز خواند صبر کرد تا نمازش را سلام داد بعد سلام داد و افتاد به التماس که من همان آدم بی ادب بی تربیتی هستم که به شما جسارت کردم، نمی شناختم، و از این حرفها مالک گفت: به خدا قسم اصلا من نمی خواستم به مسجد بیایم، جای دیگر می رفتم به خدا قسم من به مسجد نیامدم جز برای اینکه دو رکعت نماز بخوانم و بعد درباره تو دعا بکنم که خدا از گناه تو بگذرد و تو را هدایت کند

از جمله چیزهایی که باعث خوشنودی خداوند میشود تلاوت قرآن است

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ
مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۗ فَاقْرَءُوا مَا
تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۗ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ ۗ ۙ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ

يَتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ۗ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ ۗ
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۗ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ
خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۗ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مزمل ایه 20

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که با تو، نزدیک به دو
سوم شب و گاهی نیمی از آن و زمانی یک سومش را [برای عبادت و خواندن
قرآن] برمی خیزد، و خدا شب و روز را [دقیق و منظم] اندازه گیری می کند، و
برای او مشخص است که شما هرگز نمی توانید [به علت کوتاهی و بلندی شب
در طول سال، دو سوم و نصف و یک سوم را دقیقاً] اندازه گیری کنید، پس
[اندازه گیری دقیق را] بر شما بخشید؛ بنابراین آنچه را از قرآن برای شما میسر
است بخوانید. او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی
برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی در راه
خدا می جنگند؛ پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و
زکات بپردازید و وام نیکو به خدا بدهید؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش
می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت؛
و از خدا آمرزش خواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

حضرت امام چندبار در روز قرآن می خواند..میرداماد شبی پانزده جز...قرانی همراه داشته باشید تو بانک یا تعمیرگاه یا اتوبوس یا جاهایی که بیکار هستید قرآن بخوانید...حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: اگر همه مردم که ما بین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از تنهائی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد،

پیغمبر (ص) فرمود: خانه‌های خود را بتلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصاری کردند، در کلیساها و عبادتگاههای خود نماز کنند، ولی خانه‌های خویش را معطل گذارده‌اند (و در آنها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هر گاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شد خیر و برکتش زیاد شود، و اهل آن بوسعت رسند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین میدرخشند...حضرت صادق علیه السلام فرمود: چه باز میدارد تاجری را که در بازار مشغول (بتجارت است) از اینکه چون (شب هنگام) بخانه باز میگردد نخواست تا یک سوره از قرآن بخواند و بجای هر آیه که میخواند برایش ده حسنه نوشته شود و ده گناه از او محو گردد...که رسول خدا

(ص) فرموده: هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود، و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود، و هر که دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته شود، و هر که سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود، و هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود، و هر که هزار آیه بخواند برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود- و قنطار پانزده هزار مثقال طلا است، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است- که کوچکترین آنها باندازه کوه احد و بزرگترین آنها باندازه آنچه میان زمین و آسمان است....

از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت شده- که فرمود: هر کس یک حرف از قرآن را گوش کند فقط گرچه نخواند، خداوند برای او یک حسنه بنویسد و یک گناه از او محو کند و یکدرجه برایش بالا برد، و هر کس با نگاه و بدون صوت و تلفظ آن را بخواند، برایش بهر حرفی حسنه ای بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه او بالا برد، و هر کس یک حرف ظاهر از آن را بیاموزد خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد، فرمود: نمیگویم بهر آیه بلکه بهر حرفی چون باء. تاء. یا مانند اینها، و هر کس یک حرف ظاهر آن را در نماز در حال نشسته بخواند خداوند برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه

گناه از او محو کند و پنجاه درجه برای او بالا برد، و هر کس یک حرف از آن در حال ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر یک حرف صد حسنه برایش بنویسد و صد گناه از او محو کند و صد درجه برایش بالا برد، و هر کس آن را ختم کند یک دعای اجابت شده‌ای (نزد خداوند) دارد چه تأخیر افتد و چه همان زمان باو بدهند، گوید: عرض کردم: قربانت کردم همه قرآن را ختم کند؟ فرمود: همه آن را ختم کند..... اسحاق بن عمار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت کردم من قرآن را حفظ دارم آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی قرآن؟ فرمود: بلکه آن را بخوان و نگاه بقرآن کن (و از روی آن بخوان) که بهتر است، آیا ندانسته‌ای که نگاه کردن در قرآن عبادت است.....: پیغمبر صلی الله علیه و آله بر جنازه سعد معاذ نماز خواند و پس از آن فرمود: هفتاد هزار فرشته که در آنها جبرئیل علیه السلام نیز بود آمدند و بر جنازه سعد نماز خواندند، من بجبرئیل گفتم: ای جبرئیل بچه عمل سزاوار نماز شماها شد؟ جبرئیل گفت: برای خواندنش قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را (در همه احوال) ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در هنگام رفتن و آمدنش

روایت شده: خداوند تبارک و تعالی وقتی اراده کند که تمام اهل زمین را بی استثنا (بخاطر گناهشان) عذاب کند. چون به پیرانی نظر افکند که در حال گام

برداشتن و رفتن به سوی مساجدند و نونهالان را ببیند که مشغول تعلیم قرآن هستند بر مردم رحم آورد و عذاب آنان را به تأخیر می اندازد

شهید بابایی و مراسم جشن سالگرد عروسی

یک از هم کاران عباس دعوت مان کرده بود مهمانی. سال گرد ازدواج شان بود. گفته بود آدم های زیادی نمی آیند، همین آشناها هستند

وارد کوچه که شدیم، پر از ماشین بود. گفتیم شاید مهمانان همسایه ها هستند. وقتی وارد شدیم غوغایی بود. از سبک مهمانی های آن موقع، زن و مرد با هم می ... رقصیدند. سر میزها مشروب هم بود و

نتواستیم زیاد طاقت بیاوریم. زدیم بیرون. در راه عباس بغض کرده بود. وقتی رسیدیم خانه بغضش ترکید. بلند بلند گریه می کرد و سرش را به در و دیوار می کوبید.

می گفت: امشب را چه طوری باید جبران کنم. قرآن را باز کرد و تا صبح قرآن خواند.

آسمان؛ بابائی به روایت هسر شهید

آیت الله #مرعشی_نجفی رحمه الله علیه به خویشاوندان و نزدیکان، به ویژه فرزندان خود سفارش می-کند که در منزل هیچ گاه #قرآن را دور از دسترس قرار ندهند؛ بلکه همیشه آن را در جایی قرار دهند که در معرض دید باشد تا دیده شود و می فرمودند: «یادتان نرود که هرگاه چشم تان به آن می افتد، چند آیه-ای تلاوت کنید و کوشش نمایید تا آیاتی از آن را #حفظ کنید.» توصیه می-کردند که حتماً با وضو و طهارت قرآن را تلاوت کنید.

علی اکبر دیلمی، انس با قرآن، ص ۶۲ - ۶۰